



آموزش اصول و فنون مداحی

نویسنده : قاسم رضایی

فهرست مطالب

۳.....	مقدمه از مولف.....
۴.....	فصل اول: آداب و اخلاقی مداحی.....
۵.....	فصل دوم: اصول مداحی اهل بیت عصمت و طهارت (ع).....
۲۳.....	فصل سوم: نکاتی درباره اشعار و مدایح.....
۲۷.....	فصل چهارم: مداحی اهل بیت و انقلاب اسلامی.....
۳۰.....	فصل پنجم: مسائل جامعه مداحان اهل بیت (ع).....
۳۲.....	فصل ششم: رسالتهای مداحان اهل بیت (ع).....
۳۷.....	فصل هفتم: فنون مداحی.....
۵۵.....	فصل هشتم: باید و نبایدها در مدایح و مرثیاتی اهل بیت (ع).....

تشیع آئین محبت است و مداحان که پیوسته مناقب اهل بیت (علیهم السلام) خواننده و به ذکر و فکر ایشان اوقات گذارند. دوستدارترین خلق باشند. به نسبت خاندان و هر چند محبت بیش باشد مناسب بیشتر باشد و چندان که مناسبت بیش باشد قرب و نزدیکی بدیشان بیش باشد.

من احب شیئا فاکثر ذکره

لله درکم یا ال یاسینا

یا انجم الحق اعلام الهدی فینا

لا یقبل الا فی محبتکم

اعمال عبد ولا یرضی له دینا

سلسله جامعه مداح به دعبل ها و کمیت ها و حمیری ها و مداحان بزرگ در طول تاریخ شیعه می رسد و بحمد الله هر چه زمان می گذرد این مطلب بیشتر اثبات می شود.

در اصطلاح اهل فتوت که سالکان مسالک مردی و مروت اند و نسبت طائفه ایشان به ابراهیم خلیل الله، محمد مصطفی و علی مرتضی علیهم آلف التحیه و الثناء می رسد کلمه اثبات ربط لواحق به سوابق است و آن قاعده ای معتبر است که در سلاسل پیوند خلف و سلف را باز نماید و در وسایل ارتباط وصله ها و ابزار و نشانه ها را با مآخذ و مصدر آن بیان کند. چنان که در کلام شریف سلسله جامعه مداح به دعبل و کمیت ها پیوند داده شده و این از قول پیشینیان که طائفه مداحان را به فرزدق و حسان منسوب داشته اند مسلم تر است. ما وظیفه داریم که خود را شایسته انتساب به خاندان اهل بیت (علیهم السلام) کنیم.

اگر پرسند که آداب مداحی چند است بگوی پنج

○ اول آنکه در تقوا و طهارت به مرتبه ای باشد که از ارواح معصومین (علیهم السلام) شرمنده نباشد.

○ دوم طریق عبادت و طاعت به قانون اهل بیت (علیهم السلام) رامرعی دارد.

○ سوم مدح از برای غرض و جزا نخواند بلکه از برای رضای خدا و طلب ثواب آخرت خواند.

○ چهارم دین خود را به دنیا نفروشد و دنیار و درهم را برحسنت و نعمات آن سرای اختیار نکند.

○ پنجم در مدح به مثابه ای غلو نکند که به کفر انجامد تا از آن جماعت نباشد که حضرت امیر در حق ایشان فرمود هلك فی ائنان. محب

غال و مبغض قال

پس شجره و سلسله مداحی. سلسله ای طولانی و طیبه از زمان ائمه اطهار علیهم السلام است. مقام معظم رهبری در این باره فرموده اند ((شما همیشه سخت ترین کارهای تبلیغی را در مقابله با دشمنان حق و حقیقت بر دوش گرفته اید. نسب معنوی شما به دعبل و فرزدق و کمیت و شعریایی از این قبیل میرسد و سنت شعر خوانی برای اهل بیت علیهم السلام یک حرکت بزرگ در مقابل انحراف تاریخی است؛ و تا آنجا که ما کم و بیش می دانیم. این سنت از ابتدای تاریخ اسلام وجود داشته و این جامعه سابقه ممتد و ریشه عمیق دارد. شیوه مداحی

است)).

با این مقدمه کوتاه ولی نسبتاً جامع در می یابیم که مداحی اهل بیت (علیهم السلام) یکی از بهترین راه ها برای مبارزه با ظلم و ستم و طاغوت و باطل است. و کاری است بسیار ارزشمند که قبل از هر کس خود ممدوحان یعنی ائمه اطهار (علیهم السلام) بر این مهم توجه و نظر ویژه داشته اند.

پس این کار بس عظیم است و مهم. ضمن برخورداری از یک تاریخچه بسیار طولانی و قوی می بایست دارای درجاتی از علوم و معارف حقه شیعه باشد. البته در علوم مداحی برخی از دوستان دلسوز این فن و پیش کسوتان اقداماتی را انجام داده اند. ما برآنیم با استفاده از همه مطالب منتشره و آموزشهایی که در این راه دیده شد و تجربیات بزرگان این راه جزوه ای آموزشی و کاربردی را ارائه نمائیم. باشد که مورد توجه علاقمندان به ویژه نوجوانان و جوانانی که در ابتدای این راه بزرگ هستند قرار بگیرد. به همین دلیل مباحث مطروحه را به نه بخش ذیل تقسیم می نماییم:

(۱) آداب و اخلاق و علوم در مداحی

(۲) اصول مداحی

(۳) نکاتی درباره اشعار و مدایح

(۴) مداحی اهل بیت علیهم السلام و انقلاب اسلامی

(۵) مسائل جامعه مداحان

(۶) رسالت مداحان

(۷) فنون مداحی

(۸) بایدها و نبایدها در مداحی اهل بیت علیهم السلام

(۹) آشنایی مختصر با سبک ها و قالب شعری و برخی از آرایه های ادبی

بخش اول: آداب و اخلاق مداحی

ما در مقدمه مداحی را در پنج مورد بیان نموده ایم. لیکن برآنیم موارد دیگری از آداب و اخلاق مداحی را ذکر نمائیم.

یک) عمل به واجبات و ترک محرمات

مداحان اهل بیت (علیهم السلام) به واسطه انتساب قرب به ممدوحان در این خصوص باید الگوی جامعه باشند.

آیا مداحی که اهل خمس نباشد. مورد قبول ائمه اطهار (علیهم السلام) است. متأسفانه باید اعتراف کنیم که ما مداحان بیشتر نقش تابلو را

ایفاء می کنیم. در امر و نهی کردن ید طولائی داریم اما در عمل از بیشتر مستمعین خود عقب هستیم.

مداح مدعو از هم پاشیده شده است. یا دروغ هایی که در هنگام دعوت گفته می شود بی حد و حصر شده است و بهمین شکل در سایر واجبات و محرمات اگر خواهیم دقیق بررسی نمائیم. می بینیم که خیلی مشکل داریم.

(دو) روحیه خدمتگزاری به مردم

مگر ما خودمان را منسب به اهل بیت (علیهم السلام) نمی دانیم. و همه این شعر را با ذوق نمی خوانیم؟

شدم از خردسالی بی اراده

ارادتمند بر این خانواده

در اینجا انتسابم با حسین است

به فردهم حسابم با حسین است

اگر زندگی اهل بیت (علیهم السلام) را مطالعه نمائیم با یک نگاه کلی در می یابیم که سراسر زندگی آنها طاعت خالق و خدمت به مخلوق است. بزرگان ما هم همین طور بودند. پیش کسوتان این قافله در قدیم الایام میان دار خدمت رسانی به مردم بوده اند. چطور می شود یک هنرمند، بازیگر سینما، یا یک ورزشکار که ابزار تبلیغ آن تئاتر، فیلم و سریال مصنوعی یا نقالی در تئاتر یا ورزشکار با آن پیراهن ورزشی، توپ و تور و چند امضاء ساده در امر خدمت رسانی قافله سالار باشند. اما اثری از وعاظ و مداحان در این اجتماع نبوده یا بسیار کم رنگ باشد در صورتی که مداحان عزیز (بهترین الگوی تبلیغ، یعنی مرام و مسلک و سیره ممدوحان خود) را در اختیار دارند. مرحوم کافی (ره) در این زمینه الگوی خوبی است.

چقدر مهدیه در سطح کشور ساخته و چند باب مشروب فروشی را تبدیل به مسجد یا مهدیه کرده است یا مرحوم حاج اکبر ناظم یکی از کارهای برجسته شان خدمت به مردم و فقرا بود.

ما خدمت به هم نوع خودمان را هم به فراموشی سپرده ایم. مثلاً یک نفر مداح هر سال بطور رایگان به حج تمتع یا عمره می رود ولی مداحان پرمایه و مؤثری را داریم که می توانند مفید هم باشند ولی یکبار به این سفر اعزام نشده اند. چرا نباید روحیه هم نوع گرانی و برای دیگران خواستن در ما تقویت شود.

در حادثه زلزله بم حاج سعید حدادیان در شبکه سوم سیما در چند دقیقه صحبت کردن صدها هزار نفر و شاید بیشتر را تحت تاءثیر کلام نغز و روایات قرار داده. چرا همه مدحان نباید اینگونه باشند و اصلاً کجا هستند. مدعیان و پیش کسوتان و بزرگان. چرا همه اقشار همت عالی نشان داده اند؟ ولی جامعه مداحان!

سه) اخلاص، زهد و پارسائی

سه فضیلت ذکر شده برای همه مؤمنان سفارش شده است. و از سیره پیامبر بزرگ اسلام و ائمه طاهرین (علیهم السلام) به شمار می رود و صحبت کردن در این باب بسیار مشکل است.

((صائب)):

عنان نفش کشیدن جهاد مردان است

نفس شمرده زدن ذکر اهل عرفان است

برخی از اعمال تعدادی از دوستان دون شاعن مداحی است. مثلا

الف) عدم حضور در مراسم و عظ و خطابه

ب) عدم حضور بر سر سفره های گسترده عمومی اهل بیت (علیهم السلام)

ح) حس برتری بر دیگری

د) جاه طلبی و شهرت طلبی

و صدها مورد دیگر که برادران آگاه هستند و همه این ها مغایر با زهد و پارسایی و تقواست.

چهار) نظم

از وصایای امیرالمؤمنین (علیه السلام) نظم در امور است. در احوالات امام خمینی (ره) نوشته اند وقتی که در نجف اشرف بودند آنقدر منظم و دقیق به حرم مطهر امیرالمؤمنین (علیه السلام) تشریف می یافتند که خادمین حرم ساعتهای خود را با ورود و خروج امام (ره) تنظیم می کردند. انصافا مداحان عزیز یک آماری بدهند چند درصد از آنها سر وقت در مجالس حضور می یابند. حال آنکه باید حتی زودتر از موعد مقرر سر جلسه حاضر شوند. تا از اضطراب صاحب مجلس کاسته شود چقدر از مجالس اهل بیت (علیهم السلام) به لحاظ بی نظمی مداح یا سخنران از هم پاشیده شده است. بسیاری از هیئات مذهبی هفتگی بخاطر بی انضباطی برخی از همکارانمان تعطیل شده است.

پنج) روحیه انتقاد پذیری

عدم پذیرش انتقاد در جامعه مداحان یک معضل همگانی است. حتی برخی از مداحان از جواب دادن به پاسخ برخی علمای دلسوز هم خوداری یا شروع به جو سازی می نمایند. مثلا یکی از علمای بنام که علاقه فراوانی هم به جامعه مداحان دارد و اگر متوجه حضور یک مداح در جلسه خود باشد. از خواندن شعر و روضه خوداری و مجلس را به مداح می سپارد. البته نه اینکه بلد نباشد. بلکه از سر اخلاص و احترام به ذاکر امام حسین (علیه السلام) نقل می کرد یک مداحی یک مقتلی را خواند. بنده سؤال کردم سند این مقتل کجاست. شروع کرد به پر خاشگری و اینکه شما علما به مداحان حسادت دارید. چون مردم شما را تحویل نمی گیرند و از این قبیل عبارات. مگر ما فراموش کرده ایم که جامعه مداحان در مکتب حوزه دینی و در پرتو علما رشد کرده اند. مگر امام (ره) نفرمود: ((محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته است.)) این جمله بسیار کوتاه ولی نغز و پر محتوا بساط مداحی را گسترده کرده است.

عنایت مقام معظم رهبری به مداحان، عنایت مراجع تقلید به مداحان اهل بیت (علیهم السلام) باعث رشد این کسوت و گستردگی کار آنها شده است. (لذا مداح خوب باید انتقادپذیر باشد به ویژه از علمای دین.)

شش) احترام به مستمعین

دیده شده با یک بی احترامی به مستمع گرفتاریهای فراوانی بوجود آمده است. متأسفانه برخی از برادران جوان ما در جامعه مداحان با گفتن برخی از عبارات مثلاً هر کس کف نزند به اهل (علیهم السلام) ارادت ندارد. اگر گریه نمی کنی برو بیرون از مجلس، چشمی که گریه ندارد چشم نفاق است، اگر درست سینه زنی نشانه کم ارادتی به اهل بیت است. و صدها عبارات از این قبیل در یکی از شهرستانها (مرکز استان) رئیس هیئت رزمندگان نقل می کردند. یکی از آقایان مداح در جمع چند هزار نفری گفت کسانی که گریه نمی کنند نطفه پدرشان نیستند که باعث اعتراض شدید امام جمعه شهر و جمع کثیری از مردم شد. مردم به رفتار و کردار ما خیلی حساس هستند. نوع مصافحه با مردم، برخورد گرم و صمیمی. نوع نشستن بر منبر، همه باید بر مبنای اخلاق اسلامی باشد. و خلاصه اینکه باید حرمت مؤمنین را حفظ نمائیم که فرمودند: حرمت مؤمن از حرمت کعبه بیشتر است.

هفت) خود سازی معنوی و آشنایی با مسائل شرعی

تا کسی اهل محبت نباشد قاعدتا وارد این وادی نمی شود. وظیفه هر انسانی است که سرمایه محبت و معرفت و معنویت را زیاد کند. O اولاً: باید خودمان در هر سطحی که هستیم، سعی کنیم این سرمایه را زیاد کنیم و هر کسی باید خودش را بالا بکشد. سرمایه معنوی هم مثل سرمایه های مادی اگر به آن اضافه نکردیم تمام خواهد شد. بدون تعارف همه ما به یک پالایش درونی نیاز داریم. اینکه ما در زیارت می خوانیم ما معروفین به دوستی محبت شما هستیم. یک وظیفه مضاعفی را بر دوش ما می گذارد. نزدیک شدن به مراکز نور لازمه و خاصیتش نورانی شدن است.

باید با عمل نه فقط محبت به تنهایی، قنبر در خانه علی (علیه السلام) شدن کار آسانی نیست اینطور نیست که سلمان منا اهل البیت، کار آسانی باشد. لذا در این زمینه هم سعی و تلاش زیادی باید انجام شود.

سزاوار نیست مداحی با این همه پیوند مذهبی و دینی و شرعی مسائل و احکام شرعی را نداند. فراوانند مداحانی که مقید به مسائل شرعی نیستند. عدم اهمیت مداح به مسائل شرعی سبب می شود. که موقع اذان و فریضه واجب نماز از خود فتوا بدهد و به مداحی ادامه بدهد، در حالی که سیدالشهدا و همه ائمه مقید به نماز اول وقت بودند. برای آماده سازی ذهن برادران باید عرض کنیم که برنامه های دین به سه دسته تقسیم می شود.

الف) برنامه های اعتقادی. یعنی اصول دین که در رابطه با سالم سازی فکر و اعتقاد انسان است و مکلف باید نسبت به آنها خود را به درجه یقین برساند.

ب) برنامه های عملی. یعنی فروع دین یا احکام که مشتمل بر بایدها و نبایدهایی است که با انجام و یا ترک آنها همراه با اعتقاد صحیح اطاعت الهی تحقق می یابد.

ج) مسائل روانی و اخلاقی: که در رابطه با پرورش روح و سلامت روان آدمی است. هر مسلمان باید یا مجتهد باشد یا مقلد یا به احتیاط عمل نماید. فلذا مستمعین توقع دارند که مداحان به مسائل دینی بیشتر از بقیه آگاه باشند. یکی از راه های مهم خودسازی و تقویت روح موعظه است که ما مداحان کمتر به آن توجه داریم.

یکی دیگر از مهمترین جهات در مداحی موقعیت و زمان شناسی است که به علم بلاغت هم وابسته است. زمانها متفاوتند. مثل زمان طبیعی - زمان تاریخی. زمان اجتماعی هر یک مقتضیات دارند که در روایات هم به آنها اشاره شده است. زمان طبیعی همان تحولات و حوادث و دگرگونیها و قوانین طبیعی و مقررات تکوینی است که امام صادق (علیه السلام) فرموده:

برای افراد عاقل در هر حالی که هستند شایسته نیست سه چیز را از یاد ببرند که یکی از آنها آفات و بلاهای طبیعی است. مداح باید زمان رویدادهای تاریخ اسلام و شیعه و اهل سنت را بداند. تا در این زمان مردم را نسبت به وقایع آن آگاه کند و بیان واقعی تاریخی همان روز که واقع شده تاءثیر فراوان و مستقیم دارد. متأسفانه خیلی از مداحان این نکته را رعایت نمی کنند. مثلاً روز دوم محرم که ورودیه است چیز دیگری می خوانند.

اما مردم شناسی:

مداح با توجه به شناخت و اطلاع از افکار و عقاید و حالات هر جمعی مداحی می کند و این شناخت در هر زمانی با زمان دیگر متفاوت است زیرا مردم متفاوتند. امام حسین (علیه السلام) فرمودند: عاقل کسی است که بداند مردم از او چه توقعی دارند. اعتقاد بزرگان این است مداح باید عالم به زمان باشد. شاعر خوب کسی است که عالم باشد. چرا دیگر یک حافظ و یا سعدی یا بزرگان سخن نداریم. جهل مبلغین و سادگی و کم سواد یا بی سواد آنها وقتی به جهل مداح و مستمعین آمیخته می شود اهل بیت و معارف آنان در همان غربت خواهند بود. باید با فرهنگ مردم هر شهر آشنا بود. بعنوان مثال در فلان شهر در آوردن لباس را برای سینه زنی مناسب نمی دانند یا در شهری کف زدن را عملی لاهی می دانند لذا باید به فرهنگ ها و رسوم مردم در صورتی که خلاف شرع نباشد احترام گذاشت.

(نه آشنایی با زبان و ادبیات عربی

شخصی که مداحی می کند در شعر و سخن و دعا و مقاتل و کتب مربوطه به لغات و عبارات و جملاتی مواجه می گردد که از زبان عربی وارد شده و در این شرایط اگر مداح با زبان عربی آشنا نباشد نه آن کلمه یا جمله را درک می کند و نه می تواند صحیح آن را تلفظ کند. لذا بر یک مداح لازم است با قواعد و ترجمه و مقداری صرف و نحو آشنا شود تا بداند کجا باید ابوالفضل بگوید و کجا ابالفضل یا فرق ک و ک السلام عليك بدانند. و اگر اعراب را رعایت نکنند در معانی تغییر و اختلافات فاحش پیش می آید پس شایسته است که همه مداحان مختصری از علم صرف و نحو و ترجمه عربی را فرا بگیرند.

(ده آشنایی با قواعد قرائت قرآن

بسیار مشاهده می شود. که برخی از مداحان، قرآن کریم را حتی از رو به زحمت و غلط می خوانند. هزاران بیت شعر حفظ کرده اند. ولی در زمینه قرآن مشکل دارند. و یک دوره ترجمه تحت الفظی و تفسیر قرآن را هنوز نیاموخته اند. یا قرآن را هم به آهنگ و صوت و لحن مرثیه و مداحی می خوانند. هر کلمه و حرفی را که دوست دارند مد می دهند و هر کجا دوست دارند وقف می کنند و برخی آنقدر به مداحی و شعر و مرثیه اهمیت می دهند به ادب و رعایت شئون قرائت قرآن کریم مخصوصاً در مجالس ختم توجه ندارند. لذا هر مداح و

قواعد مربوطه بخواند و قرآن را بهتر و بیشتر از شعر حفظ باشد.

یازده) رعایت آداب ادعیه و زیارت

دعا خوانی و زیارت خوانی یکی از جذاب ترین و پر محتواترین برنامه های ذاکرین است و آنچه در این باره لازم است بیان شود. بحث در پیرامون دعا و زیارت و شرح آن بوده، بلکه مهمتر از همه آداب و وظایف دعا خوانان است بسیار مشاهده می شود که مداحان در مجالس گوناگون دعا و زیارات را، طوطی وار گاهی هم غلط می خوانند و لابلای آن ذکر مصیبت و شعرهای طولانی می خوانند. به همین مناسبت دعاخوانان و زیارت خوانان لازم است آداب و نکاتی را رعایت کنند که اهم آنها عبارتند از:

۱) حتما در مرحله اولیه یک دوره ادعیه و زیارات را از لحاظ مرور خوانی و صحیح خوانی الفاظ و عبارات تعلیم دیده، و با معانی و تفسیر آنها آشنا شوند.

۲) در جلسات دعا و زیارت خوانی که افراد مجرب و با سواد و اهل ذوق اداره می کنند و می خوانند شرکت کرده و از محضر آنان بهره مند شوند.

۳) دعا را با حالت فریاد نخوانند. و با حالت تضرع و زاری و جذاب بخوانند شان و ادب کلام و فرازهای دعا را که بیشتر آن از معصومین (علیهم السلام) رسیده است رعایت و حفظ کند.

۴) از خود به کلمات و جملات ادعیه و زیارات اضافه و کم نکند و با سلیقه خود معانی آنها را جابجا نکند همان طوری که دستور داده شده و سفارش شده قرائت کنند. چون دعا اگر به شکلی که آورده شده قرائت نشود مورد پذیرش قرار نمی گیرد فرمودند: (الدعا مخ العباده) دعا مغز عبادت است. و برخی عرفا دعا را به گنج تشبیه می کنند، مثلا اگر گفته شده جمله ای را سه بار بگویید، کمتر یا بیشتر نشود. مثل این است که به فردی بگوییم وقتی از درب خانه وارد می شوی سه قدم بردار زیر پایت گنج است و آن فرد بگوید من حال پیدا کرده ام می خواهم ده قدم بردارم یقینا بر گنج مقصود نخواهد رسید. لذا در تکرار و تعداد اذکار اسراری است که بر اهل ظاهر پوشیده است. ادله و شواهد و مستندات زیادی داریم که نباید به گفتار معصومین علیهم السلام اضافه یا کم گردد.

۵) دعا را به اندازه ای باید خواند که مستمعین حال پذیرفتن و شنیدن آن را دارند. لازم نیست دعا را حتما تا آخر بخوانند. باید فهمید که در دعا چه گفته می شود و چه می خوانیم. آن وقت تاءثیر آن بیشتر خواهد بود.

مثلا اگر در دعای کمیل خوانده می شود اللهم اغفر لی الذنوب التي تغیر النعم یعنی خدایا ببخش آن گناهایی که نعمت ها را بر ما تغییر می دهد. با شکل جالب و آهنگ مناسب توضیح داده شود. که چه گناهایی نعمت ها را تغییر می دهد. گناهایی که نعمت ها را تغییر می دهد به فرموده امام سجاد (علیه السلام) عبارتند از:

۱) ستم کردن بر مردم

۲) دست برداشتن از عادات خیر

۳) بی اعتنائی به معروف

۵) ترک شکر گزاری

۶- اگر قرار است در مجلسی دعا خوانده شود. به روح و روان و سطح فکر و فرهنگ و سواد و موقعیت و غم و شادی و خستگی و سر حال بودن مستمع توجه کنند. مثلا اگر مجلس ترحیم و یاد بود است و بانی اصرار دارد دعا خوانده شود اینجا صلاح نیست باید مجلس با پند و شعر و روضه اداره شود.

۷) اهمیت و جایگاه دعا را بیشتر از جایگاه سخنرانی و مداحی بداند زیرا قرآن کریم می فرماید اگر دعاهای شما نبود به شما اعتنا نمی کردیم. این مناسب و شایسته نیست که دعاخوانی تحت الشعاع برنامه های دیگر قرار گیرد. یعنی طوری شود که همه منتظر سخنرانی یا مداحی باشند و زمان خواندن دعا و زیارت در مجلس حاضر نشوند مخصوصا در هیئت ها.

مثلا سخنران و مداح چه می خواهد بگوید که ارزش و بار علمی و معنوی و فرهنگی آن از دعا یا زیارت بالاتر باشد.

دوازده) تسلط بر دواوین شعرا و مطالعه آنها

۱) بدهی است به مصداق و ما ارسلنا رسولا ابلسان قومه کسی که مبلغ است لازم است که زبان و ادبیات خود را بداند و با تفکر ادبی زمان خود آشنا باشد.

مئاتسفانه جایگاه درسی و ادبیات فارسی طوریت که هر دانش آموزی که در رشته های دیگر امتیاز نیاورده باشد به سراغ ادبیات فارسی می رود. در صورتی که باید این هم در ردیف رشته های ضروری و مهم قرار گیرد. شعر بعنوان یکی از قدیمی ترین و قوی ترین رشته در ادبیات فارسی است و مردم ایران زمین با شعر و شاعری عجین شده اند. بسیاری از شعرای زمان هاتف اصفهانی را کسبه و بازاریان تشکیل می دادند و شعر خوانی در قدیم به یک سنت در آمده بود. و بیشتر پیشینیان اشعار سعدی، حافظ، مولوی، و فردوسی و بسیاری از شعرای بزرگ ایران را حفظ هستند و به راحتی قرائت می نمایند. در این میان شعرانی که به اشعار مذهبی و در مدح و ثنای اهل بیت (علیهم السلام) یا اشعار عرفانی روی آورده اند بیشتر مورد توجه قرار گرفته اند مثل محتشم کاشانی، صائب، عمان سامانی، شهریار و... البته در زمان خودمان هم نهضت ادبی به برکت انقلاب اسلامی با همه عروج و فرودش و پیدایش شخصیت های برجسته ادبی نواقص و مشکلاتی به چشم می خورد که از گذشته به ارث رسیده است و هنوز در حال بررسی و اقدام و اصلاح است. شایسته است مداح با فنون و سخنوری فن شعر، داستان، آشنا گردد تا بتواند در سطح قابل قبول و بالاتری مدح و مرثیه سرایی و تبلیغ شعائر مذهبی و عقاید حقه مذهبی انجام دهد.

۲) بسیار مشاهده شده است. برخی از مداحان شعری را می خوانند ولی نمی دانند از کدام شاعر است.

عزیزان باید توجه داشته باشند که شعرا با چه مشقتی شعر می سرایند. لذا باید هم حق شعر را ادا کرد هم حق شاعر را، در برخی از جاها حتی گفتن تخلص شاعر و یاد آوری اسم شاعر نوعی قدردانی است.

فاذا عجز الانسان عن شکر منعم

فقال جزاک اله خیرا فقد کفی

جایجا و کم و زیاد می کنند گر چه در اصل مسئله جایجایی اشعار سخن زیاد است آیا چنین مجوزی هست یا نه؟ بحث امانتداری مطرح می گردد. لیکن این وضع بدون علم و اطلاع از مقررات شعری فاجعه ای بسیار بزرگ و خیانت و شعر و شاعری است.

به قول استاد ملک الشعراى بهار

شعر دانی چیست؟ مرواریدی از دریای عقل

شاعر آن افسون گری کاین طرفه مروارید سفت

شعر آن باشد که خیزد از دل و جوشد زلب

تا که در دلها نشیند هر کجا گوشى شنف

۴) مداحان برای تسلط بر اشعار باید اکثر دواوین شعرای ایران اعم از حماسه سراها، مثل فردوسی، انوری، خاقانی، عارفانه ها مثل: حافظ، صائب، مذهبی ها مثل عمان سامانی، شهریار و سایر غالب ها و محتوای شعرى را در اختیار داشته و برای مطالعه آنها وقت بگذارند که تسلط بر اشعار خواص زیادى است.

که یکی از آنها آشنایی با فن سرودن اشعار می باشد.

۵) اکنون که بازار شعر مذهبی و مداحی و مرثیه خوانی اوج گرفته باید دقت کرد که شعر همانی باشد که اهل بیت (علیهم السلام) معیارهای آن را تعیین فرموده اند در این جایگاه شایسته است از رهنمودهای مقام معظم رهبری استفاده کنیم که فرمودند:

((سنت شعر خوانی برای اهل بیت (علیهم السلام) یک حرکت بزرگ در مقابل یک انحراف بزرگ تاریخی است.))

اگر به شعرایی مثل سید حمیری، فرزوق، دعبل، کمیت و دیگر شعرای مذهبی توجه کنیم می بینیم که سطح شعر مذهبی در گذشته خیلی بالاتر بوده و در نوع خود سخت ترین و محدودترین شعر بوده است و هر شاعری توانایی سرودن این نوع شعر را بدون کسب سرمایه لازم علمی و معنوی نداشته است.

این دردآور است که هر کس در گوشه اعی کوس انا المحتشم را می زند. و هر کجا می رویم نظم هایی را می شنویم که پر از سرقت مضامین و تکرار تشابه می باشد.

آشنایی با تاریخچه شعر و مطالعه احوالات شاعر و دواوین شعرا این امکان را به مداحان می دهد که از اشعار قوی استفاده نمایند البته در این خصوص در فصل اصول مداحی در قالب محتوا و پیام صحبت خواهیم کرد لیکن برای روشن شدن ذهن به این سخن مقام رهبری توجه می نمایم.

جامعه مداحان باید از زبان خوب و شعر عالی و محکم و گویا و محتوای اخلاقی، تاریخی و اعتقادی که برگرفته از توحید، نبوت، و ولایت است بهره بگیرد و در بیان دیگر فرمودند ((سطح فکر مردم را بالا ببرید))

سیزده) احترام به پیشکسوتان و هم نوعان

در این باب سخن بسیار است و دردها فراوان

شنیده اید:

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: من علمنی حرفاً فقد صیرنی عبداً

یا در جای دیگر می فرمایند: الابائنه ثلاثه ابا یولدک، ابا یزوجک و ابا یعلمک

مقام معلمی کمتر از مقام انبیاء نیست بالاخره هر کسی برای آموختن علمی یا مستقیماً یا غیر مستقیم به بزرگی اقتدا می کند و از آن الگو می گیرد. و این حق معلمی است بر گردن متعلم.

در مداحی هم این مقوله مستثنی نمی باشد.

لیکن چقدر این مهم در قاطبه مداحان مراعات می شود. قضاوت با خود برادران عزیز مداح.

اما یک نکته قابل ذکر است.

احترام به مداحان و پیش کسوتانی که توان مداحی را از دست داده اند از ارزش و اعتبار زیادی برخوردار است. ولی متأسفانه بسیاری از برادران مداح جوان به این مقوله کم توجه و در برخی از جاها بی توجه هستند. البته این احترام باید متقابل باشد. بزرگان و یا به عبارتی پیرغلامان هم باید الگوهایی مناسب برای مداحان جوان باشند تا مردم تصور نکنند که این قشر با هم اختلاف دارند. چند تذکر:

۱) خدا را برتر از مرثیه خوانهای بزرگتر و سایر مداحان ندانیم و در مقابل بزرگان و پیش کسوتان متواضع باشیم.

۲) از تحقیر مداحان دیگر جدا خودداری نماییم بارها دیده شده است که عنوان شده که مثلاً روی فلان مداح را کم کردم.

۳) تجربیات و آموزه های خود را در اختیار دیگران قرار دهیم و در این مورد سخاوتمند باشیم که خیر و برکت نزد خداوند است.

که زکوه العلم نشره برخی ها برای در اختیار قرار دادن یک بیت شعر هم دریغ می نمایند گمان می کنند فقط خودشان هستند و بس.

۴) همانطور که از دیگران انتظار احترام داریم باید به دیگران احترام کنیم. موارد متعددی مشاهده شده است که ذاکر ابا عبدالله جواب سلام حتی بزرگتر از خودش را هم نمی دهد و با بی حرمتی از کنار احترام مردم می گذرد.

۵) اگر در مجلسی نشیسته ایم که مدحی در حال اجرای برنامه است ما بیشتر از همه با حدیث (او بکاء او یبکاء او تباکی را عمل کنیم) بنده فیلم مستند در اختیار دارم یکی از مداحان پیش کسوت که اتفاقاً هم از صدا و هم از سوز کافی برخوردار بوده و همه مستمعین گریه می کردند ولی سه تن از هم قطارانمان از اول تا آخر مجلس یا مشغول حرف زدن هستند یا خندیدن. خدا شاهد است که بعد از آن چقدر به ما رجوع و از این عمل ناپسند گلایه و شکوه داشتند همان مستمع دیگر در مجلس آن آقایان نمی نشیند یا بی تفاوت بوده اند ببینید چقدر ضرر دارد.

۶) از غلو در مورد اشخاص و ذکر القاب نامانوس جدا پرهیز نماییم.

چهارده) انصاف در نقل مطالب و انصاف در توسل و روضه

نکوهش حضرات معصومین (علیهم السلام) است و تفریط که همان گفتارهای مادون شئونات محمد و آل محمد است یعنی اینکه نه آنان را در حد الوهیت که خاص پروردگار است بدانیم و نه آنان را آنقدر پایین بیاوریم که با موجودات دیگر تشبیه و تمثیل بیاوریم و نباید اعتقادات مؤمنین را راجع به اهل بیت (علیهم السلام) بر شک و وسوسه بیاندازیم که ندانند بالاخره راجع به اهل بیت (علیهم السلام) کدام حد را بپذیرند.

امام حسین (علیه السلام) روز عاشورا در آخرین وداع فرموده اند ای اهل بیت من پس شکوه مکنید و چیزی بر زبان نیاورید که ارزش شما را بکاهد و در شاعن شما نباشد. این هشدار درس مهمی است که مداحان، شعرا و خطبای محترم باید آن را فراموش نکنند. یکی از موارد انصاف در روضه این است که شهادت آن بزرگواران ضعف تلقی نشود زیرا خود امام (علیهم السلام) می فرمایند امیدوارم آنچه خدا برای ما اراده فرموده است خیر باشد چه کشته شویم و چه پیروز گردیم. لذا بی انصافی است که کسی آنقدر نا آگاه باشد که با معلومات کم بخواهد در بیان و توصیف و ذکر و مدیحه و مرثیه تفریط یا افراط نماید.

انصاف در نقل مطالب شناخت حدود آداب و مقام و شئونات و مراتب اهل بیت (علیهم السلام) است اینکه کسی در حق آنان غلو نکند. و حسین الهی و زینب الهی و اکبر الهی بگوید نه آنقدر آنان را پایین بیاورند که با پرنده و گل و گیاه که همه خلقت برای آنها خلق شده آنان را قیاس و تشبیه کنند.

حضرت امیر (علیه السلام) می فرماید:

((آل محمد را با هیچ احدی ادا مقایسه نکنید.)) وقتی قیاس اهل بیت علیهم السلام حتی با فردی غیر از امام صحیح نیست. آن وقت نباید آنها را با سایر موجودات قیاس نمود.

چه زیبا گفت شاعر:

دیشب جمال رویت تشبیه ماه کردم

تو به ز ماه بودی من اشتباه کردم

اما انصاف در توسل و روضه:

معمولا در بسیاری از جلسات اعم از ایام موالید و وفیات اهل بیت (علیهم السلام)، ختم، مجالس دعا و هیات هفتگی بویژه در شهرهای بزرگ بالاخص تهران بزرگ معمولا تعداد مداحان زیاد است.

بارها دیده شده است برای یک دقیقه بیشتر خواندن برخی از آقایان مداح با هم مقابل چشم صدها نفر نزاع می کنند. لازمه رعایت این مهم طهارت نفس، اخلاص در عمل، ادب و شعور بالاست.

برادرم چه عیبی دارد اگر مداحی در کنار شما نشسته به او احترام کنید پس از مقدمه و مختصر روضه مجلس را واگذار کنید. اگر عمیق فکر کنیم می بینیم لذتی که در گریه کردن و گوش دادن است در خواندن نیست. بارها شنیده شده بسیاری از مقامات به خاطر نرفتن منبر اعطا شده است.

کردند چرا اینقدر گریه می کنی شما این همه اشک برای ابا عبدالله و اهل بیت (علیهم السلام) از مردم گرفته اید فرمودند گریه من برای این است که این گریه گرفتن برای چه بوده است. برای شهرت بود یا خدا، برای خودنمایی بود یا اخلاص.

یا در احوالات شیخ ذبیح الله محلاتی گفته شده است. بعد از روضه یکی از مداحان جوان در روز تاسوعا که روضه که روضه ابوالفضل (علیه السلام) خوانده بود و به قول ما مجلسش نگرفته بود آقا روضه موسی بن جعفر خواندند و مردم همه گریه کردند. ولی همگی سؤال برایشان بود که چه اتفاقی افتاده در لحظات آخر عمرش سؤال کردند. فرمودند برای اینکه آن مداح جوان ناراحت نشود، برای اینکه او خراب نشود من دست به این عمل زده ام و مزد این عمل را هم گرفته ام.

بعضی از مداحان آنقدر شهوت دارند که اگر ده نفر مداح هم نشسته باشند دریغ از یک تعارف مردم برای همه حرکات و سکنات ما تحلیل دارند. یا برخی دیگر بعد از اینکه بی انصافی می کنند و همه مجالس را به تنهایی اداره می کنند بعدا دیده شده که تعریف می کنند رفتم فلان مجلس چند نفر مداح بودند حال همه آنها را گرفتم مجلس را ریختم به هم به شکلی که هیچ کس جرأت نداشت بعد از من مداحی کند. تو را به خدا آیا این اعمال، کردار و رفتار نزد اهل بیت علیهم السلام ارزش دارد آیا این گونه حرکات مرضی امام زمان (علیه السلام) است. البته در این باب حرف زیاد است ولی چون بنای ما به خلاصه گویی است به همین قدر بسنده می نمایم.

پانزده) احترام و روابط نزدیک با مراجع و علمای دینی

در کتاب خاطرات (همفر) جاسوس انگلیسی در ممالک اسلامی دیده ام. که یکی از برنامه های استعمار برای از بین بردن اسلام بر هم زدن رابطه دوستی مردم با علما و مراجع دینی است در جای دیگر از مشکلات استعمار را دل بستگی و علاقه شدید مردم به عالمان دین بر بنیان عقیده و ایمان می داند.

در ادامه اشاره می کند در کتاب (چگونه اسلام را نابود کنیم) دستور العملهایی آمده که یکی از این دستورات این است. باید اساس هر گونه رابطه مردم با علمای دین و اساس هر گونه جماعتی را با اشاعه اتهاماتی به علما و مراجع و ائمه جماعات و جمعه بر هم زنیم. و از استقبال و احترام مردم به این جامعه کاست مخصوصا لازم است دلایلی بر فسق و فجور علما ارائه داد تا هر گونه رابطه ای بین آنها و مردم به سبب سوء زن و دشمنی با آنها از میان برود.

لذا با توجه به اهمیت موضوع توجه عزیزان را به موارد ذیل جلب می نمایم.

حضور مداحان در پای منابر و عظ و نصیحت حداقل چند دقیقه آخر بسیار اثر گذار است.

متأسفانه مداحان وقتی وارد مجلس می شوند ابتدا به آبدارخانه می روند و قهقهه می کنند و شلوغی می گذارند ولی حاضر نیستند حتی یک قال الصادق و قال الباقر بشنوند ما اگر تابع ولایتیم مگر نمی بینید مراجع ما امام ما، رهبر ما پای منبر شاگردان خود می نشیند. از اول منبر تا آخر منبر. پس ما چگونه می توانیم مگر در مواقعی که واقعا وقت مداح محدود است و دیر به منبر می آید.

۲) وقتی علمای دینی مخصوصا مراجع و بزرگان این قافله در مجلس حضور دارند برای مداحی یا باید ایستاد یا حتی المقدور بر منبر نباید نشست. روی صندلی باشد و اگر منبر است پله اول را انتخاب نمایم.

۴) هنگام ختم جلسه برای دعا حتما به هر روحانی که در مجلس نشسته تعاریف کنیم. گر چه اکثر وعاظ اینقدر بزرگوار هستند که احترام می کنند و قبول نمی کنند.

۵) همانطور که بسیاری از علما و روحانیون و حتی رهبر انقلاب و مراجع پای منبرهای مداحان که خیلی ها فقط سواد خواندن و نوشتن دارند می نشینند. این باید متقابل باشد.

۶) باید هر مداحی حداقل ماهی یک بار به دیدن مرجع تقلید خود برود و از او کسب فیض نماید.

۷) یکی از دلایلی که مردم بر مداحان قدیم مثل مرحوم اکبر ناظم، مرحوم علامه حاج احمد شمشیری، و مداحان فعلی حاج غلامرضا سازگار، حاج علی انسانی و... احترام می کنند بخاطر رابطه آنها با علما و مراجع است اکثر علما و وعاظ تهران در مجمع الذاکرین حسینی که با مدیریت داعینه برادر ارزشمندمان حاج غلامرضا سازگار است در ماه مبارک رمضان در فاطمیه و غیره شرکت می کنند.

۸) احترام و رابطه متقابل علما و وعاظ و مداحان باعث رونق مجالس اهل بیت و خنثی شدن توطئه بد خواهان می شود که الان این شایعه وجود دارد که وعاظ و مداحان چشم دیدن یکدیگر را ندارند.

۹) تاءکید بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در رابطه با علمای دین این اهمیت را دو چندان می کند.

۱۰) یکی از جاهایی که عمر انسان تباه می شود بی احترامی به علمای دین است که در کتاب ارزشمند معادشناسی علامه فقیه محمد حسین حسینی طهرانی رضوان اله در جلد چهارم در حدیث معروف سلمان، پیامبر فرمود یا سلمان یکی از علائم آخرالزمان این است که مردم احترام بزرگان و عالمان دینی را پاس نمی دارند.

و در حدیثی دیگر می فرمایند: بی احترامی بر عالمان دین باعث کوتاه شدن عمر می شود.

بخش اول آداب مداحی به پایان رسیده است گرچه آداب مداحی در این چند بند خلاصه نمی شود و برای ذکر همه آداب و اعمال و رفتار مداحی اهل بیت علیهم السلام باید به طور مستقل چند جلد کتاب نوشته شود اما چون وعده و بنای ما خلاصه گویی است انشاءالله همین چند مورد اگر توجه و مراعات شود بسیاری از مشکلات حل خواهد شد و امیدواریم عزیزان علاقه مند پیرامون این فصل یعنی آداب و اخلاق مداحی بیشتر مطالعه نمایند.

بخش دوم: اصول مداحی اهل البیت عصمت و طهارت (علیهم السلام)

برای این بخش و تبیین اصول مداحی در صدد برآمدیم از بیانات ارزشمند و گرانمایه مقام معظم رهبری که در جمع مداحان اهل البیت در سالروز ولادت حضرت صدیقه اطهر (س) در سالهای ۶۳ تا ۷۰ مطرح فرموده اند بدون دخل و تصرف تقدیم علاقه مندان نمائیم.

یک- اصل محتوا در مداحی اهل بیت (علیه السلام)

یکی از چیزهایی که باید در اشعار مداحان باشد مفاهیم بلند اسلامی در باب توحید یا در باب نبوت است. و بهترین اشعار قدما در باب توحید و نبوت همین مدایحی است که شعرای بزرگ ما در مقدمه دیوانها و مثنوی هایشان گفته اند. انسان حقیقتا با مضامین قوی و

و ما نمی توانیم آن بزرگواران را درست بشناسیم لکن در آن حدی که ممکن است می توان آنها را شناخت. مثلا راجع به امیرالمؤمنین (علیه السلام) وقتی شعری خوانده می شود ما آدمهای پایین و متوسط هم مقام معنوی علی (علیه السلام) یعنی آن چیزی که ما خبر کمی از آن داریم هم عبادت امیرالمؤمنین (علیه السلام)، هم مظلومیت امیرالمؤمنین (علیه السلام) هم عدل او، هم ضعیف پروری او، هم دشمن ستیزی او و هم جهاد او را می توانیم بشناسیم. ما وقتی پانزده سال، بیست سال پیش این حرفها را می زدیم، خیلی ها می شنیدند، اما نمی فهمیدند ما چه می گویم. می گفتیم فقط نپردازید به خط و خال خیالی چهره ائمه (علیهم السلام). در تعریف زلف امام (علیه السلام) یا ابروی امام (علیه السلام) و یا چشم امام (علیه السلام) شعرهایی می خواندند، حال اینکه اینها تعریف نیست. حالا اگر امیرالمؤمنین (علیه السلام)، ابرویش کمانی باشد یا کمانی نباشد، در شخصیت او چه اثری می گذارد؟ زلف او افشان باشد یا نباشد، مگر چه اثری می گذارد که بیاییم در قصیده ای راجع به امیرالمؤمنین را زلف آن حضرت بگوئیم؟ آن وقت می گفتند و می خواندند، لکن اکنون به نظر کم شده و انشالله که این چیزها حالا نباشد. وقتی می گفتیم آقا اینها را چرا می گوئید؟ تعجب می کردند و می گفتند که پس چه بگوئیم؟ آن روز وقتی می گفتیم آقا از مسائل زندگی علی بگوئید، از برجستگی های علمی او بگوئید برایشان روشن نبود. اما امروز برای همه، زندگی امیرالمؤمنین (علیه السلام) روشن است. زهد او در زمان حکومت، چیز کمی نیست که یکی نفری حاکم باشد و تمام لازمه قدرت در کف اقتدار او باشد، بیت المال دست او باشد، قدرت دست او باشد، شمشیر دست او باشد، نفوذ کلمه دست او باشد، اما زندگی شخصی اش آنچنان باشد که خود او به یاران نزدیکش بگوید شماها نمی توانید مثل من زندگی کنید. آنقدر سخت است که به عثمان بن حنیف می گوید: الاوانکم لا تقدرون علی ذلک. آن وقت غذایش به گونه ای باشد که راوی از اصحاب امیرالمؤمنین (علیه السلام) به قنبر خادم آن حضرت بگوید: چرا این غذا را به این پیرمرد می دهی؟ علی (علیه السلام) پیرمرد شده چرا این نان جوین سخت خشک را به مرد شصت ساله می دهی؟ قنبر در جواب گفت این کار را من نمی کنم، بلکه خود او این نان را داخل کیسه ای می گذارد و کیسه را می بندد، گاهی هم مهر می کند که کسی باز نکند نان را با روغن مخلوط کند.

این بعد از زندگی حضرت را بیان کنید تا مقایسه بشود بین امیرالمؤمنین (علیه السلام) و خصوم امیرالمؤمنین (علیه السلام) در تاریخ و امروز. آن کسانی که امروز در دنیا داعیه حمایت از مظلومان و مستضعفان و ملت ها و آزادی و حقوق بشر دارند، چگونه زندگی می کنند؟ آیا در جوامع آنها فقیر و مستمند نیست؟ آیا سرگرسنه ای بر بالین نهاده نیست؟ امروز شما این چیزها را خودتان می توانید خوب تصور کنی و بعد برای دیگران به تصویر در آورید. جهاد امیرالمؤمنین (علیه السلام) که از همان اول، از دوران کودکی، از یازده سالگی یا دوازده سالگی و تا آخر عمر با دشمنان خدا مشغول مبارزه بود و در این راه جان داد خیلی چیز مهمی است. این را یک شاعر بسیار خوب می تواند بیان کند و یک گوینده به خوبی می تواند در ذهن مردم و تا اعماق دل و جانیشان نفوذ بدهد. این پیوند عاطفی خودتان با ائمه (علیهم السلام) و مسائل اخلاقی را حفظ کنید. از لحاظ مضمون باید سه رکن در مدح شعر خواننده و مداح وجود داشته باشد. من از آقایان مداحان محترم خواهش دارم در رکن اول هم چون روش سابق و معمول مداحان ابتدا غزل و قصیده را برگزینند که در آن از اخلاق انسانی ذکری شده باشد، آن هم به روش مناسب و صدای خوب شما تا مردمی که گوش می دهند کاملا تحت تأثیر قرار بگیرند. در رکن دوم،

رکن سوم هم که ذکر مصیبت است باید البته با بعد انقلابی مطرح بشود، و حتما باید مصیبت ذکر بشود. گاهی در بعضی از روضه خوانی ها مصیبت اصلا ذکر نمی شود. مصیبت یعنی آن واقعه ای که اتفاق افتاده باید تشریح شود. جامعه مداح باید از زبان خوب، شعر عالی و محکم و گویا و محتوای خوب، شعر اخلاقی، تاریخی و اعتقادی، شعر مربوط به توحید و نبوت و ولایت که درباره همه اینها شعر هست بهره بگیرد. در زبان فارسی از شعرای قدیم گرفته تا شعرای امروز، آنقدر شعر خوب و حکمت آمیز وجود دارد که اگر کسی بخواهد ده سال تکراری نخواند می تواند در تمام موضوعات شعرهای خوب و حکمت آمیز اعم از اعتقادی و اخلاقی و مصیبت و مدح و مسائل اجتماعی و مسائل انقلاب و امثال اینها را بیرون بیاورد. نکته ای دیگر انتخاب شعر یا مضمون و آهنگ است. آقایان باید شعرهای خوب را انتخاب کنند. البته شعرهایی که خوانده شد خوب بود و من می پسندم. بعضی از آنها خیلی خوب بود. گاهی دیده می شود برای مردمی که سرا پا گوش هستند شعر را از نظر آهنگ خیلی زیبا می خوانند اما از نظر مضمون خیلی ضعیف و پیش پا افتاده است، مردم را تحت تاثیر هم قرار می دهد، اما این کافی نیست. شما اگر شعر قوی خوش مضمون، صحیح و محکم و متقن را که مضمون خوبی داشته باشد بخوانید، سطح فکر مردم را بالا می برید. در کار مداحی حتما باید سه رکن رعایت شود. یکی مسائل اخلاقی است که حالا دارد فراموش می شود. یک روزی بود که خود ما خیلی با طرح مسائل اخلاقی در منبر موافق نبودیم. من وقتی دیوان صائب را با تجدید چاپ دریافت کردم با اینکه دیوان صائب را سال ها پیش مکرر نگاه کرده دیدم چقدر غزل اخلاقی بسیار جالب در این دیوان هست که باب شماس است. این چیز خیلی مهمی است و هیچ شاعری بهتر از این نگفته است. بنده قرص و محکم عرض می کنم که بهتر از آنچه من در دیوان صائب دیدم البته از مجموع آنچه که شعرای سبک هندی گفتند هیچ کس نگفته است. مطلب دیگر راجع به تصویر دنیا از نظر انسان است. آن دید ظریف و مو شکاف به سبک هندی شعر صائب خیلی قیمت دارد و شما وقتی یک بیت از آنرا بخوانید دلها را منقلب می کنید مثلا: از رباط تن چو بگذشتی دگر معموره نیست. این سفری که در دنیا سیر می کنیم آخرین رباط ما است آخرین کاروان سرای ما است. از رباط تن چو بگذشتی دگر معموره نیست. زاد راهی بر نمی داری از این منزل چرا؟ شما ببینید چه طور این شعر انسان را منقلب می کند. و هزاران بیت از این قبیل است. قسمت دیگر معارف اسلامی ماست که امروز با معارف انقلابی که ما به آن سیاست می گوئیم انطباق پیدا می کند. هیچ شعری نباید از این مطالب خالی باشد اینها معارف اسلامی است. این هیئات منا الذله را که امروز به زبان مردم افتاده است و در زمان طاغوت کمتر بر زبانی جاری می شد فراموش نکنید. آن موقع چون واقعا همه ذلیل بودیم هیئات نداشت. ذلیل اجانب و استکبار ذلیل دربار، ذلیل دولت ذلیل ساواک ذلیل پلیس نقش خودمان همه ذلت بود همه زور می گفتند خودمان هم با خودمان زور می گفتیم و لذا این جمله بر زبانی جاری نمی شد اگر هم کسی می گفت خیلی جدی نبود گاهی از اوقات که از زبان مرحوم مدرس یا آیت الله کاشانی و شخصیتهایی از این قبیل یک کلمه از این قبیل کلمه ای نقل می کردند که مثلا مرحوم کاشانی می گفت. چقدر برای ما بزرگ می آمد و تعجب می کردیم که اینها این قدر جرات داشتند عزت را در عمل شان تجسم دادند که این کلمه را گفتند و ذلت را قبول نکردند. شما حالا نگاه کنید جامعه ما یک زبان و یک صدا در مقابل همه استکبار عالم این سر بلندی و عزت را نشان می دهد و این هیئات منا الذله را در عمل نشان می دهد.

شما برادران عزیز باید پیامی را که آن پیام همیشه به مداحان اهل بیت (علیه السلام) ارزش می داده همواره حفظ کنید. و آن پیام، پیام حفظ دین حق الهی در سایه ولایت اهل بیت (علیه السلام) و مبارزه با دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) و مبارزه با دشمنان حق و تمامی طواغیت و عصیانگرانی است که در مقابل حق قرار دارند. این پیام باید حفظ شود. کسانی در دشوارترین دورانهای تاریخ اسلام، پرچمی را بر دوش گرفتند که هر کس آن پرچم را که پرچم ولایت حقیقی اسلام و پرچم آئین حق است پرچم قرآن ناطق است، بر دوش می گرفت باید شدیدترین شکنجه ها را تحمل می کرد. مسئله این بود که مثل کمیتها و فرزدق ها و سید حمیری ها و دعبل ها و از این قبیل کم نبودند و فقط این نبود شعری را بر اساس عقیده شان بگویند و برای چند نفر بخوانند بلکه مساله این بود که شعر آنها حامل یک پیام و حامل یک رسالت بود چیزی را می خواست به مردم تعلیم بدهد، علت اینکه کمیت تحت تعقیب قرار می گرفت و دعبل می گفت من پنجاه سال است که بار خود را بر دوش می کشم، همین پیام شعر آنها بود. من انتظار دارم برادران پیام را هیچ وقت فراموش نکنند، شما که الحمدلله برگزیدگان هستید در سراسر کشور بایستی به مداحان و همه کسانی که در این رشته و در این میدان وارد هستند این مطالب را توصیه کنید و به صورت قطعی در آورید. در شعری که می خوانید حتما پیام را رعایت کنید. اولین چیزی که باید مورد توجه قرار گیرد، پیام است و پیام، هم در مصیبت، هم در مدح و هم در اخلاقیات وجود داشته باشد. این به عهده شماست که همچنان استوار و قوی اشعاری را که از لحاظ زبان و معیارهای شعری در سطح بالا و در عین حال حامل پیام انقلاب باشد بسرایید و عزای اسلامی را با مدایح خود و با ذکر پیامی که همه پیامبران (ص) و اولیا و اوصیا داشتند و مداحان آنها هم باید داشته باشند مزین کنید یعنی پیام دفاع از حق و مبارزه با باطل، که امروز دنیا را فرا گرفته است. یکی از شعرای معروف دوران بنی امیه و بنی عباس بنام بشار بن برد می گوید: ((خدا رحم کند که سید حمیری آن شاعر بزرگ اهل بیت (علیه السلام) به سرودن اشعار مکتبی پرداخت، والا اگر قرار بود او هم مثل ما مدح و غزل بگوید و به خلفا تقرب جوید چیزی و جایی برای ما باقی نمی ماند.)) و این خود نشان می دهد که شاعر اهل بیت (علیه السلام) از لحاظ میزان شعری در پایه ای قرار دارد که بشار بن برد یکی از شعرای طراز اول که آنطور که من احساس می کنم و می فهمم او در طبقه دوم و دوره دوم شعرای صدر اسلام نفر اول است. او را کسی مثل سعدی و حافظ فرض کنید می گوید اگر قرار بود همان شعرهایی که ما می گوئیم و همان مضمون هایی که ما به کار می بریم و آن تقریبی که ما به خلفا می جوئیم سید حمیری هم وارد این میدان می شد و حاضر بود به این حرفها تن دهد، برای ما جایی و مقامی باقی نمی ماند و همگی به او اختصاص پیدا می کرد او این طور به فضیلت و عظمت سید حمیری اعتراف می کند. حالا این سید حمیری چه کسی است؟ سید حمیری کسی است که خواندن اشعارش در مجلسی سه نفره بدان خاطر که حامل پیام است، ممنوع بود. مسئله این است و شما پیروان این سلسله هستید و شجره شما به مداحان اهل بیت (علیه السلام) یعنی آنها می رسد.

سه- اصل در مداحی اهل بیت (علیه السلام)

بحمدالله جان مردم و وجودشان به عشق و محبت اهل بیت (علیه السلام) آمیخته است و برای شما بلبلان گلزار اهل بیت (علیه السلام) این فرصت است که عواطف و احساسات مردم را سیراب کنید.

خواندن شما و گفتن شما عمیق و ریشه دار و تند و آتشین و برافروخته بشود. تشیع آیین محبت است. خصوصا محبت خصوصیت تشیع است. کمتر مکتب و مسلکی و دین و آیینی و طریقه ای را مثل تشیع پیدا می کنید که این قدر با محبت سر و کار داشته باشد. و علت این که فکر تشیع تا امروز با وجود آن همه مخالفتی که با آن شده است باقی مانده، این است که ریشه در زلال محبت دارد. تشیع دین تولی تبری است، آیین دوست داشتن و دشمن داشتن است و عاطفه در آن، با فکر هماهنگ و هم دوش است و اینها خیلی مهم است. محبت اصل سحرآمیز عجیبی است. اگر محبت در تشیع نبود، این دشمنیهای عجیبی که تاکنون با شیعه شده بود آنرا از بین می برد. همین محبت شما و محبت این مردم به حسین بن علی (علیه السلام) ضامن حیات و بقای اسلام است و این معنی همان فرمایش امام (ره) است که می فرمودند: عاشورا اسلام را زنده نگه داشت: ایام فاطمیه هم همینطور است، ولادت پیغمبر (ص) هم همینطور است. شما باید با استفاده از این هنر این محبت را در میان مردم عمق ببخشید، تر و تازه نگاه دارید و برافروخته کنید.

بسیاری شعرا هستند که شعرشان بلند است، اما آن چرا که در مدح فلان وزیر یا فلان کاتب یا فلان پادشاه گفته اند، آب و رنگ حقیقی یک اثر هنری را ندارد و مشخص است که عاطفه همراهش نیست بر خلاف آنچه که همین شعرا برای اهل بیت (علیه السلام) گفته اند: یعنی سروده آنها برای اهل بیت (علیه السلام) عاشقانه است. و شعر حقیقی این است.

مگر نمی گوئیم حضرت فاطمه (سلام الله علیها) کاری کرد که سوره هل اتی درباره او و فرزندانش نازل شد ایثار نسبت به فقرا کمک به محرومان به قیمت گرسنگی کشیدن خود، ویو ثرون علی انفسهم ولو کان بهم خصاصه ما هم باید همین کارها را بکنیم. این نمی شود که ما دم از محبت فاطمه زهرا (س) بزنیم در حالی که آن بزرگوار بخاطر گرسنگان، نان را از گلوی خود و عزیزانش مثل حسن و حسین (علیه السلام) و پدر بزرگوارشان برید و به آن فقیر داد آنهم نه یک روز نه دو روز بلکه سه روز، ولی ما که پیرو یک چنین کسی هستیم، نه فقط نان را از گلوی خود نمی بریم تا به فقیر بدهیم، بلکه اگر بتوانیم نان را از گلوی فقرا هم می بریم این روایاتی که در کافی شریف و بعضی از کتب دیگر در باب علامات شیعه هستند ناظر به همین است که شیعه بایستی آنگونه عمل بکند. ما باید نمایانگر زندگی آنها در زندگی خودمان باشیم ولو به صورت ضعیف. البته ما کجا و حتی از ما بزرگترها کجا و آن آستان بلند کجا؟ معلوم است که ما حتی به محدوده دور دست زندگی آنها هم نمی رسیم، اما ما باید تشبیه به آنها کنیم اینکه ما در نقطه مقابل زندگی اهل بیت حرکت کنیم و آن وقت ادعا کنیم جزو موالیان اهل بیت هستیم چنین چیزی ممکن نیست فرض بفرمایید کسی در زمان امام بزرگوارمان از دشمنان این ملت که امام دائم علیه آنها حرف می زد تبعیت می کرد، آیا می توانست بگوید من تابع امام هستم؟ آیا اگر چنین چیزی از زبان کسی صادر شد به او نمی خندیدند؟

عینا همین قضیه در باب اهل بیت (علیه السلام) مطرح است و ما باید شایستگی خودمان را ثابت کنیم. آقایان در این شعرهایی که می سرائید و در این بیانات و گفته ها که در مراسم و محافل، محبت فاطمه زهرا (س) را در دلها می گنجانید، چند بیت هم از دستورات و احادیثی که از آن بزرگوار درباره نماز و مسائل گوناگون دینی نقل شده چاشنی آنها کنید، یا اگر شعر هم ندارید، به زبان نثر بگوید تا محبتی که فاطمه زهراء (س) در دلها دارد با بیان شما مشتعل شود. به قول صائب که می گوید:

چون شمع تازیانه پروانه ایم ما

این وصف حال شماست که آن محبت را در دلها برمی انگیزد و لذا باید از آن برای فرا گرفتن دو کلمه از معارف زهرا (س) استفاده بشود.
چهار- اصل عزت و مبارزه در مداحی اهل بیت (علیه السلام)

مگر نمی گوئیم حضرت فاطمه (س) با حال نا توان به مسجد رفت تا احقاق حق کند؟ ما هم باید در همه حالات تلاش کنیم تا حق را احقاق کنیم، ما هم باید از کسی نترسیم. مگر نمی گوئیم یک تنه در مقابل یک جامعه بزرگ زمان خود ایستاد؟ ما هم باید همان طور که همسر بزرگوارش فرمود: لا تستحشوا فی طریق الهدی لقله اهل. از کم بودن عده مان در مقابل دنیای ظلم و استکبار نترسیم و تلاش کنیم. استاندار کوفه به بهانه خیلی مبتدلی دستور داد کمیت را بعد از اینکه سالیان متمادی در بدر و متواری بود دستگیر کردند و کشتند و در همان حال پسرش را خواستند که بیا جنازه پدرت را ببر. پسر دید پدرش هنوز نفس دارد و چیزی می گوید: گوشش را نزدیک برد دید می گوید اللهم صل علی محمد و آل محمد یعنی خدایا اینها برای کشتن من بهانه گرفتند اما تو می دانی که برای چه مرا کشتند اللهم صل علی محمد و آل محمد دعبل خزاعی نیز دهها سال متواری بود، دهها سال در بدری شوخی نیست. آنهایی که در رژیم ستم شاهی و در زیر بار آن سختی ها چند صباح متواری بوده اند می دانند دهها سال در بدری یعنی چه. دهها سال تبعید و دهها سال یک شب را تا به صبح با اطمینان به سر نبردن خیلی سخت است. هیچ خلیفه ای در زمان دعبل نیامد، مگر اینکه دعبل داغ باطله ای از شعر خود بر پیشانی آن خلیفه کوید که تا به امروز هم آن داغ باطله باقی است. هارون، امین، ابراهیم بن مهدی آن خلیفه چند ماهی بین امین و مامون و بعد هم معتصم، همه اینها را دعبل مثل یک کوه استوار از سر گذراند و برای هر کدامشان بر یک کتیبه پاک نشدنی در تاریخ، یک نقش زشتی کشید که از دهها سخنرانی برتر بود. البته او را رها نکردند و عوامل جنایتکارشان را فرستادند و او را ترور کردند.

یکی از شعرای معروف عرب به نام کثیر عزه از مخلصین و دوستان ائمه (علیه السلام) و جز کسانی بوده است که حاضر نبوده اند در راه دین حق، از جان و از آسایش خود سرمایه گذاری کنند و لذا با این و آن هم سروسری داشتند، لکن اما (علیه السلام) این را قبول نمی کند.

امام باقر به کثیر عزه رو کردند و گفتند: امتدحت عبدالملک، تو عبدالملک را مدح کردی؟

کثیر بنا کرد به عذر خواهی کردن که من اینطور به او نگفتم بلکه اینچنین گفتم، که خیلی ارزش ندارد.

حضرت تبسمی کردند و بعد به کمیت رو کردند. گویا می خواستند به کمیت بگویند حالا تو جوابش بده.

کمیت بلند شد و آن قصاید هاشمیات را شروع کرد به خواندن.

مداح اهل بیت (علیه السلام) باید پیام اهل بیت (علیه السلام) را هم داشته باشد و پیام اهل بیت (علیه السلام) مبارزه است.

چه بهتر که شعر با آن زبان مردمی و با آهنگی که شما می سازید و با استفاده از شگردهای صمیمانه ای که شما در اختیار دارید به مردم تزریق و تلقین شود. به آنها بیاموزید که امروز دشمن ما آمریکا است، استکبار جهانی است. ما در حقیقت با یک قدرت علی الظاهر قوی (اگرچه علی الباطن ضعیف است چون از تایید الهی برخوردار نیست.) داریم می جنگیم و مبارزه می کنیم امروز هیچ چیز از نظر مبارزه و جبهه بندی با قبل از انقلاب فرق نکرده است آن روز آمریکا با تصویر شاه و دستگاههای شاه جلوه گر شده بود لکن امروز آمریکا چون می

جلوه گر شده است.

مبارزه همان مبارزه است و ما هیچ احساس نمی کنیم مبارزه تمام شده باشد. امروز تصور ما این نیست که بگوییم حالا بحمدالله راحت شدیم و باید دیگر زندگی کنیم. ابتدا چنین چیزی نیست. همان احساسی که آن روزها در مقابل ساواک و مأمورین مزدور شاه و عاملین جرایم آنها داشتیم امروز هم صد برابر شدیدتر در مقابل آمریکا و استکبار جهانی داریم. آن روز مبارزه می کردیم، امروز هم باید مبارزه کنیم. و برای این مبارزه هم خودمان باید آماده شویم و هم مردم را آماده کنیم. آمریکا را به مردم بشناسانید. هر صحبتی که می کنید و هر منبری می روید و هر جا می خوانید، یزید این روزگار و شمر این روزگار و بنی امیه و استثمارگران این روزگار را مشخص کنید. به مردم بگویید که امروز صف مبارزه و جبهه مبارزه چگونه ترسیم شده است. امروز در دنیا کمتر نظامی و کمتر مسولینی وجود دارند که در چشم محافل سیاسی مهم دنیا به قدر نظام و مسئولین جمهوری اسلامی عظمت و عزت و آبرو داشته باشند. یعنی دنیا روی خواست، اشاره و حرفهای ما حساب می کند و کوشش می کند که حرف مسئولین این نظام در مسائل سیاسی منطقه رعایت شود. حواسشان جمع است. چرا؟ مگر مسئولین اسلامی چه دارند؟ مگر سی، چهل سال سابقه سیاستمداری و حکومت کردن و کارهای دیپلماسی دارند؟ یا ثروتها و اندوخته های مادی دارند؟ این برای خاطر شعارهای انقلابی و برای خاطر موضعگیری انقلابی این مردم انقلابی است. من این را در برخورد با مسولین کشورهای دیگر اعم از آنهایی که اینجا آمدند یا آن جاهایی که ما رفتیم، در مجامع جهانی و در مجمع غیر متعهدها به وضوح احساس کردم و بدون استثنا با کسانی که ملاقات و برخورد داشتیم، با احترام فوق العاده مسئولین آنها روبرو شدم که فوق احترامات معمول و متداول بود و متوجه شدم به ما به عنوان یک مسئول نظام جمهوری اسلامی با اهمیت خاصی نگاه می کنند. وقتی انسان مساعله و مبانی اسلامی است. همین (هیئات منا الذله) به اصل توحید و همین ((لا))یی که در ((لا اله الا الله)) هست، به ((لا گفتن به همه دنیا بر می گردد. وقتی یک ملتی این جور برخورد می کند و فشارها و اخم ها و شدتها و قدرت نمایی ها و گردون کلفتی ها و عربده کشی ها زور و زر برایش ارزشی ندارد و به همه آنها (لا) می گوید، عزیز می شود. این نشانه همان توحید است. توحید یعنی خدا را عبودیت کردن و لا غیر. همچنین درباره معارف اسلامی و معرفت ائمه (علیه السلام) باید بیش از سابق به مسائلی توجه و تکیه کنیم که برای مردم آموزنده است. البته یاد کردن از گوهر پاک و طینت آسمانی و ملکوتی ائمه (علیه السلام) چیز خوبی است و اشکالی ندارد، اما به زندگی ائمه (علیه السلام) هم بپردازیم. من در صحبتهای متعدد خود در سال گذشته راجع به عنصر مبارزه در زندگی ائمه (علیه السلام) این عنصر فراموش شده گفتم ائمه (علیه السلام) برای احیای جوامع خود زهر نوشیدند ما باید ببینیم دستگاههای ظلم چرا ائمه را مسموم می کردند؟ اگر کسی مبارزه نکنند کاری با او ندارند. ما هم اگر هم اکنون با استکبار مبارزه کنیم کاری با ما ندارند. لکن اسلام اجازه نمی دهد مبارزه نکنیم. اسلام دین مبارزه با استکبار و شرک و شیطان است و برای این است که مبارزه می کنیم. اسلام دین مبارکه با استکبار و شرک و شیطان است و برای این است که مبارزه می کنیم. آنها همچون با اسلام نمی توانند بسازند، عکس العمل نشان می دهند. ائمه (علیه السلام) این طور بودند. شما هم باید این بعد از زندگی ائمه (علیه السلام) را در شعرها منعکس کنید.

به مردم شناساند. زندگی امام سجاد (علیه السلام) که ۳۰ سال مبارزه کرد و آن خطبه معروف را در شام ایراد نمود و آن شورش و انقلاب را در دنیای اسلام به وجود آورده مگر می تواند از حماسه خالی باشد؟ و لذا جستجو کنید و حماسه ها را بیابید، زیرا امروز ملت ما و همه ملت های دنیا به این حماسه ها نیاز دارند.

امروز می بینید که وضع دنیا چگونه است؟ این کاخهای ساخته شده گر چه مرفه و خیلی پر زر و زیور است، اما با پایه های مقوایی بنا شده و دارد یکی پس از دیگری فرو می ریزد، شوروی، امپراطوری بزرگ به اصطلاح سوسیالیستی و کارگری آنچنان فرو ریخت و در هم پیچید و بلکه اصلا نابود شد و مثل همین فعل و انفعال، الان در بعضی جاهای دیگر دنیا هم دارد انجام می گیرد، منتهی یک مقداری زمان می طلبد تا آشکار شود. این تمدن ها و زر و زیورهای ضد حق دارند مضمحل می شوند. بله، باید بنای حق مرتفع باشد اما خیال نکنید اگر باطل از بین رفت بخاطر زوال پذیری او است و حق بخودی خود و بدون تلاش در دنیا علم خواهد شد، ابدا چنین نیست، بلکه اگر باطلی از بین رفت باطل دیگری سر کار خواهد آمد، مگر آن وقتی که حق خودش را عرضه کند. کما اینکه باطل ها در دنیا دارند پشت سر هم می آیند و می روند طبیعت و باطل زایل شدن و از بین رفتن است، اما گمان نشود که باطل اگر از بین رفت، اسلام یا حق، بدون تلاش و مجاهدت و زحمت کشیدن من و شما ممکن است در دنیا جایگزین باطل ها بشود این بستگی دارد به اینکه من و شما چکار کنیم؟ پس باید از اهل بیت (علیه السلام) همچنان درس گرفت و این درسها را به مردم داد و همچنان تربیت کرد تا بر اثر کوششها حق جانشین باطلها بشود.

پنج- اصل واقعیت و تعقل در مداحی اهل بیت (علیه السلام)

بنای ما بر این نیست که هر چه را در آن شک داریم یا قبول نداریم بگوییم نخوانند. اگر ما بخواهیم بگوییم آقا این دقیق نیست نخوانید، می ترسم برادران و در خواندن خیلی محدود بشوند. توجه داشته باشید آن چیزی را بخوانید که معقول باشد. البته نه اینکه انسان هر چه معقول است از خودش بسازد و بخواند، بلکه چیزهای معقول را متکی به اصول و واقعیتها کنید.

البته گزاره هر حدیثی وقتی هنری باشد با پیرایه هایی همراه خواهد بود و آن پیرایه ها ایرادی ندارد. منتها مشروط بر اینکه پیرایه ها اصل نشود. اصل را بایستی از واقعیتها گرفت و به آن بیان هنری و پیرایه هایی که لازم است بخشید.

شش- اصل ذکر مصیبت در مداحی اهل بیت (علیه السلام)

ذکر مصیبت یک چیز قهری اس که حتما باید انجام بشود.

بنده گاهی می بینم در مصیبت حضرت علی اکبر و علی اصغر و مسائل گوناگون کربلا، کلمات و تعبیراتی چه از طرف مداح که احساسات خودش را بیان می کند گفته می شود. گاهی احساسات را از زبان خودش بیان می کند و گاهی از زبان آن بزرگواران بیان می کند. اینها ذکر مصیبت نیست. آنچه را در کربلا گذشت بایستی بیان کرد و این حادثه نباید فراموش و مرده شو. این حادثه باید زنده بماند. زیر حادثه را باید بگویید. هر شبی در هر جلسه ای که روضه بزرگواری خوانده می شود ماجرای او باید گفته شود حالا یا به زبان شعر یا به زبان نثر، این یک بحث مفصلی است که باید با روضه خوانها و منبری هایی که روضه می خوانند بیشتر در میان گذاشته شود والا برادران مداح بعا تا

است و دل مستمع را بیشتر جذب می کند.

هفت- اصل تفهیم در مداحی اهل بیت (علیه السلام)

یکی از اصول مهم در مداحی تفهیم است. هر آهنگی و هر آوازی به درد شما نمی خورد. آهنگ و آواز خاصی به درد شما می خورد. آن هم با شیوه بیان خاص مداحی.

مردم زبان شعر را بیشتر می خواهند، اما مثل زبان نثر نمی فهمند به خصوص اگر شعر بالایی باشد. شما باید این را بفهمانید و فهماندش هم فقط به این نیست که آدم با صدای خوب بخواند. چون خیلی ها شعر را با صدای خوب می خوانند ولی مستمع نمی فهمد که چه می گویند. پس باید بفهمانید. و این فهماندن همان هنری مداحی است. اگر شعر را با هنر خواندن برای تفهیم که البته غالبا با صدای خوب هم همراه است و اگر صدای خوب هم نباشد همان کیفیت خواندن، جبران صدا را هم می کند ارائه دهید، گاهی خیلی از خودش صدا ممکن است بهتر و جا افتاده تر و شیرین تر تلقی بشود.

اگر فرض کنیم ما ابیاتی را در مقامات معنوی فاطمه زهرا (س) بگوییم که مستمع مان چیزی از آن نفهمد و سر در نیاورد، معلوم نیست که او را به فاطمه زهرا (س) نزدیک کند. ما لازم است به این خانواده روز بروز نزدیک و نزدیکتر بشویم، و ملت ما از این طریق خواهد توانست به رسالت خودش عمل کند. این ملت، این چنین می تواند آن پیام بزرگ را به دنیا برساند.

هشت- اصل زمان در مداحی اهل بیت (علیه السلام)

من خیلی خوشحالم از اینکه الحمدلله می بینم شعر شما، سرود شما، آهنگ شما و اقدام شما با پیشرفت ها و نیازهای زمان هماهنگ شده است. این را باید ادامه دهید.

در گذشته مداحان قبل از اینکه شروع به خواندن روضه کنند معمولا یک چیز اخلاقی می خواندند اخلاقیاتی که فرضا ۳۵ سال قبل از این من یادم می آید و کوچک بودم و می شنیدم. درست است که آن اخلاقیات خوب بود اما اخلاق امروز نیست. آن روز گفته می شد مثلا سلام را بلند بگویید و به همسایگانتان نیکی کنید، امروز باید شما به مردم بیاموزید که مردم ایثار و فداکاری کنند و از تحمل پرستی و زیاده روی در مصرف خودداری نمایند و قناعت کنند. آن روز قناعت یک معنی داشت و امروز با توجه به مسائلی که نظام جمهوری اسلامی با آن رو بروست قناعت معنای دیگری دارد.

بخش سوم: نکاتی درباره اشعار و مدایح

یک- شعر و مدح مطلوب

برای اینکه انسان شعر خوب بگوید اخلاص کافی نیست. شعر یک علم است، یک فن است، یک دانش است. خود شعر یک هنر است، اما دانش هم دارد و مثل دیگر دانشها اندازه دارد، متر دارد و مثل بقیه چیزها اهل فن می توانند درجه آنرا مشخص کنند، جستجو کنند و بهترین

شعر پایین و غلط را اصلا نخوانید.

جامعه مداح ایرانی شعرهای خوب را بخواند. چون سبک مداحی به ویژه مداحی سنتی مانند حرف زدن با مردم است. من مداحان قدیمی را دیده بودم که وقتی شعر می خوانند گویا با مردم حرف می زدند و تک تک افرادی که آنجا نشسته بودند، می فهمیدند، شعر مصیبت هم همین طور بود. مثل:

ای حرم کعبه ات ز حلقه بگوشان

وی دل دانای تو زبان خموشان

با تو که گفت از حسین چشم بپوشان

اینها را چه کسی نمی فهمید؟ و از مردم معمولی ما کیست که کسی شعر فصیح قوی را بخواند و او نفهمد؟ من یک وقتی می دیدم که مردم این شعرهای معروف حیدری را که سابق در ایش پرده می زدند - اگر چه مضمون هایش پایین است، اما شعرها بسیار قوی و استوار است - می فهمند.

سماواتیان محو و حیران همه

سر انگشت حیرت به دندان همه

که یا رب چه زور و چه با زوست این

فلک را مگر هم ترازوست این

این شعرها که در کتاب حیدری و متعلق به ملا بما نعلی معروف کرمانی است از لحاظ مضمون پایین است اما از لحاظ شعر نقص ندارد. پس اگر مداح شعر قوی و خوب را بخواند و با مردم حرف بزند در طول مدتی مثلا ده سال که از آن بگذرد، سطح ادبیات عمومی مردم بالا می رود و چون شما همه جا می روید و زن و مرد و روستایی و شهری پای صحبت شما می نشینند، گوش ها به شعر درست و سخن فارسی درست عادت می کند، و جامعه مداح می تواند در این زمینه بزرگترین خدمت را بکند.

من به برادران عزیز توصیه می کنم در جلساتی که دور هم جمع می شوند، چه برادران شاعر در انجمن های ادبی و شعری که موضوعی را مطرح می کنند و چه در جلسات برادران جامعه مداحان، در تهران، قم، مشهد و هر جای دیگر، به خصوص آنجایی که عده زیادی هستند، موضوعات مهمی را که باید درباره آنها شعر گفت، مطرح کنند. درباره خیلی از موضوعات شعر وجود دارد، اما کسی خبر ندارد. شما بروید مثلا دیوان اقبال را نگاه کنید ببینید این شاعر پاکستانی که هرگز ایران را ندیده به قدری شعر در مفاهیم اسلامی آن هم مفاهیم انقلابی اسلامی مثل (هر که پیمان با هو الموجود بست) دارد که آدم گیج می ماند. من خودم به خاطر دارم در حدود ۱۷ یا ۱۸ سال قبل که این مفاهیم و مسائل انقلابی را در سخنرانی ها و بحث های مجالس درس می گفتیم گاهی یک بیت شعر از ناصر خسرو، یا سعدی یا فلان شاعر که پیدا می کردیم چقدر خوشمان می آمد و یادداشت می کردیم و از آن در سخنرانی ها استفاده می کردیم. همان وقت شاید سال ۴۵ بود که من با دیوان اقبال آشنا شدم و شعرهای او نظر مرا جلب کرد. وقتی شروع کردم به خواندن، دیدم درباره مفاهیم مورد نیاز ما و مسائلی

شعرای خود ما هم امروز شعرهای خیلی خوب می گویند که نمونه هایش را می شنوید و می بینید و بسیار جالب است. به هر حال هم در مجامع ادبی وهم در مجامع مداحی دنبال موضوعاتی باشید که بایستی درباره آن موضوعات شعر گفته بشود، یا شعر پیدا بشود. کوشش کنید شعرهای خوب و مایه های شعری خوب انتخاب کنید. مبادا به شعر کم مایه قانع شوید. ما شعرای خوبی داریم. شما می توانید ادبیات فاخر فارسی را به محتوایی که حامل همان پیام است در سطح توده مردم منتشر کنید. و این لطف و فضل الهی در اختیار شماست و بر عهده شماست که این کار را انجام دهید. شعر اقبال انصافا ویژگی های یک مدح یک مدح را دارد، هم مدح است، هم مبالغه نیست، هم خیالی نیست وهم از چیزهای بی ربط مثل اینکه در گذشته تشریح می کردند که این امام بزرگوار ابرویش یا چشمش یا لیش چه شکلی بوده، به دور است. امروز اصلا بحث سر اینها نیست که برداریم یک غزل یا قصیده ای را خراب کنیم، چون درباره ائمه (علیه السلام) آن طور نمی شود حرف زد که آدم با یک نقد معمولی حرف می زند. بلکه باید به نحوی دست و پایش را بشکنیم و خرابش کنیم که می خواهیم درباره ائمه (علیه السلام) مدح بگوییم و آن وقت نتیجه اش این بشود که چهره آن حضرت، یا قد آن حضرت مثل گل یا مثل سرو یا فلان است! این چه لزومی دارد؟ اصلا مسأله با اهل بیت (علیه السلام) این نیست، مسأله صفات و خلیات و طینت آنهاست. اینها را بایستی سرود. در همین اواخر، دو سه سال قبل از دیوان صائب را ورق می زدم البته من از سابق با دیوان صائب مانوس بودم لکن چون یک نسخه تصحیح شده ای چاپ شده بود باز شروع کردم به ورق زدن و نگاه کردن دیدم در دیوان غزل های بسیار وجود دارد که به درد کار مداحی شما می خورد. لازم هم نیست که انسان یک غزل را حتما از اول تا آخر بخواند. گاهی که شما به یک مناسبتی دارید حرف می زنید و یک تک بیت یادتان می آید وقتی آن تک بیت را می گویند، مثل این است که یک ساعت حرف زده اید. این در مخاطب شما اثر می گذارد. و چه بهتر که این تک بیت ها از بهترین ها باشد. ما بهترین ها را در اختیار داریم. بنابراین جمعی بنشینند این بهترین ها را جمع کنند نگه دارند و در اختیار کسانی که وقت ندارند بگردند پیدا کنند، بگذارند یا سروده های جدید را نقادی و ارزیابی کنند. دو خصوصیت برای مدح اهل بیت (علیه السلام) لازم است. یکی اینکه محبت ما را به اهل بیت (علیه السلام) زیاد کند، و لذا هر شعری باید محبت مستمع را به اهل بیت (علیه السلام) زیاد کند، که خود آن محبت ضامن همه چیز است. شعرهایی که راجع به اخلاقشان، گذشتشان، عفوشان و فضایل ایشان است خیلی خوب است. و خصوصیت دوم، شعرهایی است که دستورالعمل و الگوی زندگی آنها را به ما نشان می دهد. مثل صراحت شان، شجاعت شان، حق گوئی شان، ایثارشان، انفاق شان و محو کردن خودشان در خدا. در دعاها و در زیارت نامه های ما تعبیرات عاشقانه و خیلی خوب هست که حقایقی را نشان می دهد. اینها را باید محور قرار داد آنچه را مثلا فرض کنید شیخ و ابن طاووس و بزرگان در کتابهای شان گفته اند و مفید در ارشاد آورده، اینها را بایستی محور قرار داد و بعد آنها را به شکل زیبا و شایسته ای ارائه کرد. حالا به چه شکلی، هر کسی سلیقه ای دارد، بر آن ایرادی وارد نیست.

شعرای همزمان قرن دوازدهم و اوایل سیزدهم و زمان قاجاریه غالبا شعرهایشان بی محتوا و پوچ است. یک نمونه اش همین مرحوم قآنی شیرازی است که سنخ شعرهای او در مدایح، به اعتقاد بنده از آن قبیل نیست که برای جامعه ما مفید باشد.

دو- لزوم ارتقا سطح اشعار و مدایح

بود بهتر بود، یا فلان شعر چه اشکالی داشت. اما این کار را در مجامع ادبی باید بکنید. یعنی شعری را که خود شما سرودید و خواندید که ممکن است خوب باشد، در یک مجمع ادبی به نقد بگذارید و به هر کسی که این شعر را نقد کند و اشکال بجایی بر آن وارد کند جایزه بدهید، تا قوی بشوید، یا از اشعار خوب دیگران استفاده کنید و سعی کنید سطح اشعار خودتان را بالا ببرید.

باید انجمن هایی متشکل از شعر شناسان و نقادان ادبی و صاحب نظران در کار مدح، یعنی اساتید فن شما، که این کارها را تجربه کرده اند به وجود آید تا درباره شعری که خوانده می شود داوری و نقادی کنند. گاهی مثلا یک کلمه را که باید گفت (به تو) یا (به او) می گویند (بر او) و شعر خراب می شود. چقدر خوب است از لحاظ ادبی این ظرافت ها و دقت ها کاملا رعایت شود. ضمنا زبان فارسی را هم منتقل کنید. زبان فارسی امروز زبان انقلاب و زبان دین است و لذا باید زبان فارسی را محکم و استوار کرد تا معارف اسلام را در سراسر عالم بخش کند.

بحمد الله در میان ما شاعر زیاد است و شما عموما اهل ذوق و اهل صفا و توجه به آن دقت ها و ظرافت ها هستید. اگر در مجامع مداحی که شعر خوانی معمول است، سعی در نقد و تصحیح کنید و این به وسیله اساتید شعر و نقد انجام گیرد، ولو از بیرون هم بیاورید، مانعی ندارد.

ممکن است کسی از شما شعری را زحمت کشیده و حفظ کرده باشد و بخواند، اما کسی آن را نپسندد. از این موضوع متأسف نشوید. آنچه در دل اثر می کند سخن هنرمندانه است. اگر مایه هنری آن کم شد شما مجبور می شوید از چیزهای دیگر کمک بگیرید. شعر زیباست و خوب و هنری است، به تدریج اثر می گذارد. البته الان آن قدر سطح ذهنیت شعری مردم ما بالا نیست، اما وقتی شما بتدریج خواندید سطح ذهنیت شعری شان بالا می آید و انس پیدا می کند، شعر خوب را می فهمند و از مضمون آن استفاده می کنند.

سه- اهمی صوت و آهنگ در اشعار و مدایح

راجع به آهنگ، تا آنجایی که من خبر دارم و در مراسم مذهبی همه ادیان، آهنگ هست، و حتی روایت دارد که قرآن را با آهنگ بخوانید. شما وقتی در کلیساها می روید، می بینید آثار مذهبی را با صدای خوب می خوانند. در معابد بودایی هم که می روید می بینید آن عالم و روحانی بودایی با آهنگ می خواند. من در بتخانه های هندی رفتم. آنجا هم یک روحانی متفکر نشسته بود، قدری صحبت کرد، بعد هم با تکیه به صوت و آهنگ بنا کرد به خواندن. این یک رازی دارد. این را نباید دست کم گرفت. سخن گفتن با آهنگ غیر سخن گفتن ساده و بی آهنگ است. وقتی که بخواهیم یک سخن معنوی در دل جای بگیرد و خودش را درست نشان بدهد، تنها زبان رسا و بیان خوب کافی نیست، یک چیز دیگر هم لازم دارد و آن آهنگ است و لو با صدای غیر خوب باشد. موسیقی کلمات و جملات در افاده مفهوم آن جملات مؤثرند. همین شعر را اگر شما با آهنگ بخوانید یک جور تأثیر دارد و اگر بدون آهنگ بخوانید یک جور دیگر است. سنت مداحی شما است که با آهنگ بخوانید، نه مثل روضه خوان های ما که تکیه به صوت نمی کنند. در بین وعاظ در گذشته هم معمول بود که باصوت می خواندند، لکن آنها متأسفانه منسوخ شده است. بعضی وعاظ از اول تا آخر منبرشان تکیه به صوت داشتند بعضی هم نه، یک مقداری صحبت می کردند، بعد هم با تکیه به صوت وارد می شدند و با آهنگ سخن را بیان می کردند. این آهنگ یک رازی دارد و فقط برای تنوع

اگر با آهنگ بیان بشود تا‌تثیر زیادی می‌گذارد. شما باید مثلا برای گزینش اشعار، یک گروه شعر داشته باشید و برای آهنگ یک گروه داشته باشید. در گذشته موسیقی ایرانی به معنای درست کلمه مال جامعه مداح و روضه خوان بود و همیشه بهترین موسیقی دان‌ها کسانی بودند که روضه می‌خواندند. تاج نیشابوری که شما اسمش را شنیده‌اید خواننده و موسیقی دان بسیار معروف دوره ناصرالدین شاه بوده است. آن وقت‌ها من خودم روضه خوان‌هایی را در مشهد دیده‌بودم که بسیار خوب می‌خواندند. یکی عادت کرده بود از اول که شروع می‌کرد تا آخر فرضا ابو عطا بخواند و دیگری مثلا بیات ترک می‌خواند، یا آن دیگری همایون می‌خواند یا مثلا اول تا آخرش بیان اصفهان می‌خواند. بدون اینکه بد بخواند یا غلط بخواند. گوش مردم هم آشنا بود. و خود این، تعلیم ذوق و معتدل کردن ذوق مستمعین، یعنی عموم مردم بود. علاوه بر اینکه آهنگ‌های موسیقی و دستگاه‌های موسیقی در تا‌تثیر گذاری سخن هم مؤثر است یعنی شما در شادی یک دستگاه را می‌خوانید و در غم یک دستگاه دیگر را می‌خوانید، برای موعظه از یک دستگاه استفاده می‌کنید، و برای فرضا مزاح و هزل از یک دستگاه دیگر استفاده کنید. خاصیت مداحی ذوق است، و اگر کسی ذوق نداشته باشد وارد عالم مداحی نمی‌شود و ارتباط با شعر و خوانندگی حاکی از ذوق است بنابراین خیلی زود فرا می‌گیرند. مثلا یک گروهی داشته‌باشید برای این کار که آهنگ‌ها را تصحیح کنند. (برخی از جملات بندهای (۱) و (۲) و (۳) از بخش سوم برگرفته از بیانات ارزشمند مقام معظم رهبری است. به لحاظ کثرت سخنان معظم له از آوردن گیومه در متن خودداری شده است)

بخش چهارم: مداحی اهل بیت و انقلاب اسلامی

یک- مداحی اهل بیت (علیه السلام) و انقلاب

اهمیت نقش جامعه مداح و مداحی را نباید دست کم گرفت. اهمیت این نکته امروز از گذشته بیشتر است. بنده از قدیم که هنوز مداحی این قدر رواج نداشت و مداح زیاد نبود، مداحان معروفی را هم در مشهد و هم گاهی در تهران دیده‌بودم که شعر خوب می‌خواندند، و مسلط هم بودند و در مجالس و محافل روضه و انواع و اقسام اجتماعات دینی وجودشان مفید بود. به خصوص آنهایی که اهل فضیلت و معرفت و ادبیات بودند. اینها وجودشان خیلی مفید بود. لکن آن روزگار واقعا آنچه که در مداحی مطرح بود و بیشتر از آن هم کشش زمانه نبود، همین بود که یک مجلسی را گرم کنند، کما اینکه منبری هم که می‌رفت منبر حرف می‌زد، اگر موفق بود، نقشش این بود که یک ساعتی مردم را با تذکرات دینی متوجه به خدا و دین بکند و اگر موفق نبود که هیچ. بلکه انسان از پای منبر آن مداح و سخنران بیرون می‌آمد، مثل کسی بو که از حمام شستشوی کرده برود در یک گلخنی و یا در یک تونل معدن و یا محیط پر گرد و خاک. به مجرد اینکه پا می‌گذاشت در میان جامعه، غبارها و آلودگی و کثافت‌ها دامان او را آلوده می‌کرد. واقعا دایره و تا‌تثیر کار منبری و مداح و هر نوع گوینده ای تا همین حد بود. گاهی اتفاق می‌افتاد که - شاید که هم نبود - وسط آن مجلس مستمع دلش به منبر نبود، یا اگر هم بود حرفی که گفته می‌شد، از دل گفته می‌شد تا بر دل مستمعی که آماده شنیدن است بنشیند. این هم از آفاتش بود. و آنجایی که مستمع آماده و گوینده توانا بود تازه اثرش به این ساعات و دقائق و به آن محیط محدود می‌شد و بس. اما امروز چنین نیست. امروز حرکت جامعه درست است،

باید باور کنیم که تحول عظیمی در انسانیت و قلب مردم به وجود آمده است. در ساخت فردی و اجتماعی مردم ما یک تغییر بنیادین پیدا شده است. ما امروز جوانانی که نه پول می فهمند، نه شهوت می فهمند، نه مقام و نام می دانند، نه علایق و وابستگی ها برایشان اهمیت دارد، و دل و جانشان پر از محبت خداست، زیاد داریم. گاهی که انسان به نوشته ها و نامه ها و یادداشتهای و وصیت نامه های این جوانان نگاه می کند، می بیند آنحالی را که یک عارف و یک عاشق معنوی بعد از سی چهل سال ریاضت و سلوک پیش آن پیرو شیخ و ریاضت های گوناگون به دست می آورد، این جوان شانزده، هفده ساله همان حالت را با صفا و با نورانیت بیشتر دارد علتش هم واضح است آن عارف که ۶۰ یا ۷۰ سال در ودای سلوک قدم زده چرا به آنجا می رسد؟ چرا دلش منور می شود؟ چرا فیض الهی به سمت او سرازیر می شود؟ چون با این ریاضت ها، با این زحمت ها، با این نصیحتیهایی که شنیده و با این چیزهایی که یاد گرفته این توانایی را پیدا کرده تا از خویشتن، خویش بیرون بیاید، خود را فراموش کند، هواها و هوس ها را کنار بگذارد و برای او نام و جاه و پول و شهرت و مقام و منیت اهمیتی نداشته باشد. آن عارف درست و حساسی و سالک الی الله که نورانیت پیدا می کند این طور آدمی است و کسی است که زندگی دنیا برایش جلوه ای ندارد، او را از راهش و کارش و وظیفه اش و توجهش و سلوکش باز نمی دارد. وقتی کسی این گونه بتواند دنیا را طلاق بدهد، قلب او لبریز از محبت و انوار الهی می شود، و چنین حالتی را این جوان در این زمان قبل از پیروی از مرشد و شیخ و سالک و ریاضت کش و این حرفها پیدا کرده است.

این که امام (ره) می فرمایند: (من به این جوانها حسرت می خورم) خیلی معنی دارد امام (ره) یک عارف و یک انسان معنوی است، امام بیش از یک عالم فقیه و معمولی است، امام انسانی است که عمرش را با معرفت و سلوک و توجه و سیر الی الله گذرانده است. این آدمی که دلش به ذکر الهی و به گریه نیمه شب منور و معطر است، می گوید (من حسرت می خورم به حال این بچه ها، به حال این جوانها و به حال پدرها و مادرهایشان) پدرها و مادرها هم کمتر از این جوانها نیستند. پدرها و مادرهای شهدا، انسان را در مقابل خودشان خاضع می کنند. آنقدر عظمت نشان می دهند که انسان احسان می کد در مقابل آنها حقیر است. خوب این جامعه ما است که جوانش و پیرش و رزمده اش، پشت جبهه اش و مداحش و روحانی اش و همه چیز فرق کرده است.

مقام معظم رهبری می فرمایند: ((امروز اگر شما بتوانید یک کلمه عرفانی یا یک نصیحت اخلاقی را به زبان شعر که رساترین زبانهاست آن هم با آهنگ، به ذهن مخاطبتان القا کنید، این برکت دارد. امروز غیر از گذشته است، گذشته برکت نداشت.

حرفهای خود من که اهل سخنرانی و بیان و جلسه و سالهای متمادی با این مردم حرف زده ام، حرف بی برکتی بود. با اینکه زحمت می کشیدم و کار و تلاش می کردم اما برکت نداشت و زود زایل می شد. امروز حرف خوب مثل آن آب گوارایی است که به جان تشنه می رسد و مزاج او را سالم می کند. و لذا تکلیف مدح و مداحی و این رشته ای که شما در آن هستید روشن است. به نظر من از گذشته اهمیتش بیشتر است.))

جلسات سخنرانی در طول این سالیان دراز نبود، انقلاب به پیروزی نمی رسید. مجالس عزاداری امام حسین (علیه السلام) بهترین وسیله پیروزی انقلاب بود.

دو- نقش انقلاب در تحول مداحی اهل بیت (علیه السلام)

امروز جامعه مداحی و دستگاه مدح خوانی ما با سال ۱۳۵۸ فرق زیادی دارد و ما خیلی جلو رفته ایم. یعنی در گذشته، گوشه و کنار، در همین جامعه مداحان، مثل روحانیون و مثل جاهای دیگر، آدمهایی بودند که دل‌های سنگ شان حتی با عصای موسی هم که سنگ را می شکافت فانفجرت منه اثنتا عشره عینا نشکست. هنوز هم از این قبیل داریم؛ اما خیلی کم هستند.

مقام معظم رهبری فرمود: ((شما خوشبختانه توانستید قالب کهن را محتوا و روح نو بدهید و این خیلی چیز مهم و با ارزشی است. و لذا وقتی یک انقلابی در محیط زندگی ما به وجود می آید، یک تحول عمیق و صادقه ای است که می تواند تمام اشکلات و انحرافات کار ما را اصلاح کند و به ما جهت بدهد. امروز هم شاعران و گویندگانی هستند که بر علیه ظلم و فساد شعر می گویند، و اگر انقلاب ما و این تحولی که در همه ارکان ملت ما پیدا شد، به وجود نمی آمد معلوم نبود که چه می شد و به کجا می رسید.))

سه- رسالت مداحان اهل بیت (علیه السلام) در قبال انقلاب

ما امروز باید با تمام قوا کوشش کنیم که فرهنگ انقلاب و تفکر انقلابی و این اسلامی که بحمدالله در وجود رزمندگان ما و در وجود متفکرین ما و در وجود یکایک افراد ملت ما مجسم و متبلور شده است را هر چه بیشتر در ذهن ها راسخ کنیم. این کاری است که از مداحان به خوی بر می آید و بحمد الله در این راه قدم برداشته اند. مقام معظم رهبری فرمودند: ((خوشبختانه من، هم قبلا دیده‌ام و هم امسال خیلی بیشتر می بینم و احساس می کنم که مداحان در شعر و سرود و در جهت گیری خود دقیقا پا به پای انقلاب پیش آمده اند و همین لازم است.

امروز شعری را که یک مداح، چه در مجلس جشن یا در مجلس عزا و چه به عنوان مرثیه می خواند، دقیقا تعبیری است از آن چیزی که ملت ما به آن نیاز دارند. این روند را بایستی هر چه ممکن است سریعتر و قوی تر بکنید. این انقلاب می تواند به برکت امام حسین (علیه السلام) و حضرت زهرا (س) و ائمه (علیه السلام) و به برکت همین مدح و گفتن این حقایق درباره زندگی این بزرگواران به تمام دنیا صادر بشود. ما این کار را می توانیم بکنیم، و برادران مداح و جامعه مداحان یکی از بهترین پایگاهها و ابزارها را در اختیار دارند. اگر برادران توجه کنند این نظری که اکنون بحمد الله از غربت خارج شده را ما یک زمانی قبل از انقلاب می گفتیم و با آن همراهی نمی شد. ما می گفتیم مبارزه همه ائمه (علیهم السلام) یک مبارزه بنیانی برای ایجاد نظام اسلامی بود. ما آن روز از نظام اسلامی تعبیر به نظام علوی می کردیم. اصلا کلمه حکومت اسلامی به گوش دستگاه بسیار حساس بود و چون فوراً قضیه را می گرفتند، ما نمی خواستیم بفهمند، لذا می گفتیم نظام علوی، که در زندگی امام صادق (علیه السلام) و در زندگی موسی بن جعفر (علیه السلام) و در زندگی ائمه (علیه السلام) این معنا آشکار است و حالا بحمد الله این افکار رایج شده. اگرچه گوشه و کنار هستند کسانی که هنوز نمی خواهند حقیقت را درک کنند و بفهمند و حس کنند ائمه (علیه السلام) پیامشان چه بوده است. لکن این چیزی است که امروز قراین و شواهدی دارد و آن را برای همه

بنابراین باید در این روال و در این ردیف شعر گفته بشود و خوانده بشود، که یقیناً آثار و فوایدش بیشتر است. و این، جمع بین تبیین اسلام و تبیین زندگی ائمه (علیه السلام) و تبیین انقلاب اسلامی است.

یک روز در رژیم گذشته کسانی بودند که حاضر نبودند سرمایه گذاری کنند، در همان حالی که تمام فشارها بر بندگان شایسته خدا وارد می آمد.

آن روز این بنده صالح خدا و شایسته ترین انسان عالم ربانی که تا کنون ما شناخته ایم حضرت امام (ره) نه تنها اسم و رساله اش قاچاق بود، بلکه کمترین اشاره به او هم قاچاق بود و یک عده به خاطر آشکار شدن این حرف چه بسا زحماتی را که متحمل می شدند و با توجه به همه مشکلات برخی از شما شعر می گفتید، یک عده می خواندید و یک عده هم نوحه می ساختید و مردم را گرم می کردید.

در همان روزها یک عده هم بودند که بازار و حسینیّه و مسجد برایشان فرقی نمی کرد و دلشان می خواست عبدالملک را مدح کنند و با اینکه همراه ائمه (علیه السلام) و محب ائمه (علیه السلام) بودند، با کنار آمدن با قدرتهای شیطانی و طاغوتی سازگار نیست و امکان ندارد، لکن یک عده آن طور بودند اگر چه بعضی هم اشتباه می کردند و غفلت داشتند و از روی غرض نبود انقلاب همه ما را روشن کرد و چشم همه را باز کرده. و به نظر من آن کسانی که آن روز در این میدان نبودند، بایستی امروز جبران کنند (این بند مربوط به بیانات مقام معظم رهبری است)

بخش پنجم: مسائل جامعه مداحان اهل بیت (علیه السلام)

یک- لزوم وجود ضابطه و نظام در جامعه مداحان اهل بیت (علیه السلام) (بر گرفته از بیانات مقام معظم رهبری)
درباره سازماندهی جامعه مداحان: من به طور کامل فکر نکرده ام. اما همین که ابتدائاً نگاه کردم دیدم به دو طریق می شود سازماندهی کرد. یکی اینکه ما بگوییم همان طور که جمعیت ها و احزاب و گروهها هستند، ما هم یک جمعیت هستیم که افرادی بیایند در این جمعیت عضو شوند و شاخه و شعبه پیدا کند. که من می دانم این چنین چیزی مصلحت هست یا نیست. و یک طریق دیگر هم هست که اگر آن طور بشود، من همین الان می گویم مفید و لازم و بلکه ضروری است و آن این است که ما یک کانونی داشته باشیم به نام کانون مداحان ایران مثلاً یا مداحان و شاعران مذهبی ایران و این کانون بدون اینکه بخواهد مداحان را سازماندهی کند، یک آبشخوری باشد تا همه کسانی که می خواهند در فن مداحی و خوانندگی اهل بیت (علیه السلام) کار کنند و پیش بروند و رشد کنند بتوانند از آن بهره ببرند و استفاده کنند. طبعاً چنین کانونی به گروهها و مجموعه هایی تقسیم می شود، فرضاً گروه شعر است که باید بهترین اشعار را از دواوین شعرای خوب ما اعم از غزل سرایان و قصیده سرایان انتخاب کند و در اختیار مداحان بگذارد. باید به تدریج سمت مداحی اهل بیت (علیه السلام) که واقعا یک منصب است، یک ثغوری هم پیدا کند. مداحی اهل بیت (علیه السلام) که هم مقام بالایی دارد و هم تاءثیر زیادی در جامعه و در ذهن مردم دارد، باید یک حدودی پیدا کند که بدانید چه کسی مداح است و مقدمات کار مداحی اش چقدر است. چقدر شعر می داند، چقدر حفظ است و چقدر می تواند بخواند؟ این خصوصیات را یک مرکزی از مراکز تأیید کند و خود شماها به یک کیفیتی فکر

منصب را رسماً به عهده می گیرند و لباس مقدس ستایش اهل بیت (علیه السلام) را بر تن می کنند و مردم آنها را به این عنوان می شناسند، باید خصوصیتی داشته باشند و یک مرکزی باشد که اینها را با این خصوصیات تشخیص بدهد و تایید کند.

دو- لزوم خودسازی معنوی در جامعه مداحان اهل بیت (علیه السلام)

تا کسی که اهل بیت نباشد قاعدتاً وارد این وادی که شما هستید نمی شود. و لذا کسی که قدم در این وادی می گذارد یک مایه محبت و استعداد و قابلیت در او وجود دارد. وظیفه هر انسانی این است که این سرمایه محبت و معرفتی را زیاد کند. اولاً باید خودمان در هر سطحی که هستیم، سعی کنیم این سرمایه را زیاد کنیم و هر کسی باید خودش را اصلاح کند.

-برادران! این سرمایه های معنوی هم مثل سرمایه های مادی است، اگر به آن اضافه نکرده تمام خواهد شد. مولوی تمثیل خوبی دارد، می گوید این آبهایی که خلائق با استفاده از آنها خودشان را پاک می کنند، با طراوت می کنند پاکیزه می کنند، این آب به وجود پاکیزگی می دهد اما خودش هم احتیاج به پاکیزه شدن دارد و آن چیزی که این آب را پاکیزه می کند، همان قوه فرو نهاده در خلقت الهی است که آن را بالا می برد و به ابر تبدیل می کند آن گاه به صورت باران و آب خالص پاک و طاهر دوباره به طرف پایین بر می گرداند.

-برادران عزیز آنچه ما وظیفه داریم این است که خود را شایسته انتساب به خاندان اهل بیت علیهم السلام کنیم چون این منتسب بودن به خاندان رسالت و از جمله وابستگان و معروفین به ولایت آنها بودن دشوار است. اینکه ما در زیارت می خوانیم ما معروفین به دوستی و محبت شما هستیم یک وظیفه مضاعفی را بر دوش ما می گذارد و این خیر کثیری که در سوره مبارکه کوثر خدای متعالی مژده آن را به پیغمبر اکرم صلی الله داد (انا اعطیناک الکوثر) که تعبیر آن فاطمه زهرا (س) است. در حقیقت مجمع همه خیرات است که روز به روز از سرچشمه دین نبوی بر بشریت و بر همه خلائق فرو می ریزد گر چه خیلی سعی کردند تا این را پوشیده بدارند و انکار کنند اما نتوانستند ((والله متم نوره ولو کره الکافرین)) البته ما باید خودمان را به این مرکز نور نزدیک کنیم و نزدیک شدن به مرکز نور لازمه و خاصیتش نورانی شدن است باید با عمل (و نه فقط با محبت به تنهایی) که همان محبت و ولایت ایمان آن را به ما املا می کنند و از ما می خواهند جزو وابسته به این خاندان بشویم به آنها نزدیکتر شویم اینطور نیست که قبر در خانه علی (علیه السلام) شدن کار آسانی باشد و اینطور نیست که (سلمان منا اهل البیت) شدن کار آسانی باشد ما جامعه موالیان اهل بیت و شیعیان اهل بیت (علیه السلام) از آبروگواران توقع داریم که ما را جزو خودشان و از حاشیه نشینان خودشان بدانند و بگویند: ((فلان ز خاک نشینان خاک در گه ماست)) آرزو داریم اهل بیت (علیه السلام) درباره ما اینطور قضاوت کنند. اما این آسان نیست و با ادعا فقط به دست نمی آید بلکه عمل و گذشت و ایثار لازم دارد تشبه و تخلق به اخلاق آنها لازم دارد. شما ملاحظه کنید این بزرگواری که ما امروز ساعتی را با شما به استماع مدایح و فضایلش نشستیم - که آنچه گفته شد قطره ای از دریاست در چه سنی این همه فضایل را حائز شد. در چه مدت از عمر کوتاه و پر برکتش درخشندگی از خود بروز داد؟ عمر آن حضرت را از هجده سال تا بیست و پنج سال نقل کرده اند این همه فضایل بیهوده بدست نمی آید امتحنک الله الذی خلقک قبل ان یخلفک فوجدک لما امتحنک صابره خدای متعالی بنده برگزیده، زهرای اطهر را آزمود. دستگاه خدای متعالی دستگاه حساب و کتاب است، آنچه را می بخشد با حساب و کتاب می بخشد و لذا او می داند گذشت و ایثار و معرفت این بنده خالص خود و فدا

عبادت خدا را بکنیم، مگر نمی‌گوییم ((حتی تور مت قدماها)) اینقدر در محراب عبادت خدا ایستاده که پاهایش متورم شد؟ ما هم باید در محراب عبادت بایستیم و ما هم باید ذکر خدا بگوییم، ما هم باید محبت الهی را در دل‌هایمان روز به روز زیاد کنیم.

سه- لزوم تعلیم و تعلم در جامعه مداحان اهل بیت (علیه السلام)

گاهی اوقات در روشهای استادان حرکات استادانه ای هست که مدح جوان تا بخواهد آن حرکات را یاد بگیرد طول می‌کشد و لذا مدتها باید گوش بدهد. مداحان غالباً وقت نمی‌کنند پای منبر همدیگر بنشینند و از مجلس به آن مجلس رفتن فرصت را از آنها می‌گیرد. لکن اگر یک جایی باشد که آن شیوه‌ها و روشهای استادانه ای را که اساتید کار و اساتید فن در طول سالها متمادی یاد گرفته‌اند، یا با شیوه‌ها و روشهای استادانه ای را که اساتید کار و اساتید فن در طول سالها متمادی یاد گرفته‌اند، یا با ذوق فطری خودشان آن را دریافته‌اند، بیاموزند، مداحان جوان خوب یاد می‌گیرند. البته سابق یاد نمی‌دادند. کسی که یک غزل یا قصیده خوب و یک شعر در مصیبت بلد سعی می‌کرد آن را به دیگران یاد ندهد و حتی سعی می‌کرد طوری بخواند که دیگران نتوانند آن را یاد بگیرند.

مقام معظم رهبری در این باره فرمودند: ((وقتی یک مجمعی باشد، این مجمع محل التقا تجربه‌ها می‌شود. اگر ما می‌خواهیم فن و هنر مداحی و هنر مداحی را با این فلسفه‌ای که من گفتم رشد بدهیم و پیش ببریم، باید یک جایی باشد تا تجربه شما را که در طول سی یا چهل سال بدست آورده‌اید در کپسول بریزید و در حلق جوانی بیاندازد که آن را یاد بگیرد و به این صورت سطح آگاهی جوانها را بالا ببرد. و نسل بعد را از نسل موجود بالاتر بکشد. و این، یک مجموعه‌ای باشد برای اینکه در خوانندگی آن روشها و آن دستگاه‌ها و آن شیوه‌های هنرمندانه و استادانه را یاد بگیرد. یک گروه هم برای مسائل اعتقادی و مطالب علمی و از این قبیل باشد. بنده کاملاً با چنین مجموعه‌ای موافقم و خیلی هم خوب است و باید این کارها انجام بگیرد)).

بخش ششم: رسالت‌های مداحان اهل بیت (علیه السلام)

یک- رسالت مداحان اهل بیت (علیه السلام) در معرفی چهره اهل بیت علیهم السلام بعنوان مثال چهره حضرت فاطمه زهرا(س) الان شما ملاحظه می‌کنید مثلاً درباره فاطمه زهرا (س) چقدر مطلب وجود دارد که اینها را ما باید به دنیا ابلاغ کنیم. پیام فاطمه زهرا (س) صحبت کردیم به ابعاد سازنده شخصیت ایشان که بتواند دنیای امروز را اداره کند کمتر توجه کردیم. ما خودمان به این معنا اعتراف داریم و قبول می‌کنیم.

ما باید فاطمه زهرا (س) را در سه صحنه ببینیم و نقش این بانوی بزرگ و استثنایی را در این سه صحنه درست بسنجیم و برای دیگران درست تشریح کنیم. یکی در صحنه زندگی به عنوان یک مسلمان یعنی فاطمه زهرا (س) به عنوان یک مسلمان مثل بقیه مسلمانها چه می‌کرد؟ عبادت فاطمه (س)، اخلاق فاطمه (س)، معاشرت فاطمه (س)، که در روایات ما درباره این خصوصیات و علم این مخدره (س) و عبادت و معرفتش فراوان تعریف و بحث شده است. دوم به عنوان یک زن در صحنه جامعه، آیا در محیط اجتماع و در صحنه مبارزات اجتماعی و حرکت اجتماعی و تضامن اجتماعی، فاطمه زهرا (س)، به آن خطبه شگفت آور فاطمه (س)، به استقبالش از خطرها و از

کاری ندارد. در حالی که ما می بینیم فاطمه زهرا (س) در متن جامعه، آن هم در خطرناکترین بخشهای جامعه، حضور دارد.

وقتی که صحبت از خلافت است و مبارزات سیاسی در اسلام مطرح می شود، آن قهرمانی که وسط می ایستد و سلمان و ابوذر و مقداد و عمار و حذیفه و حتی خود علی بن ابیطالب (علیه السلام) دور او جمع می شوند فاطمه زهرا (س) است، علم مبارزه اوست. من نمی خواهم بحث سنی و شیعه را اینجا شروع کنم و موافق نیستم که در این روزگار که دشمن در صدد است انقلاب ما را یک انقلاب ضد سنی در دنیا معرفی کند و صدها میلیون مسلمان را از ما دور کند، ما هم به آنها کمک می کنیم، مسأله شیعه و سنی راه بیاندازیم و همان کاری را بکنیم که در طول زمان می خواستند، من با این کار موافق نیستم. اما این یک واقعیت تاریخی است و ارتباط به بحث کلامی ندارد.

فاطمه زهرا (س) بعد از رحلت پیغمبر (صلی الله علیه وآله وسلم) برای خلافت علی بن ابیطالب (علیه السلام)، به یک مبارزه مستمر شبانه روزی دست زد و کسی نمی تواند منکر آن بشود. خود فاطمه زهرا (س) محور مبارزه بود. و لذا زن در صحنه مبارزات اجتماعی می تواند چنین حضور فعالی داشته باشد. نمی شود بگوییم او فاطمه زهرا (س) بود، به زنهای ما چه؟ بلکه چون فاطمه زهرا (س) بود، زنهای ما باید از آن الگو پیروی و اتباع کنند اگر دختر پیغمبر (صلی الله علیه وآله وسلم) نبود، اگر معصوم نبود، اگر مورد عشق و محبت رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) نبود، اگر کارش و عملش به وسیله معصوم (علیه السلام) تقریر نشده بود که خود او هم معصوم است، ما نمی گفتیم باید پیروی کنند. او از دخترش زینب کبری (علیه السلام) خیلی بالاتر و خیلی قوی تر و خیلی جامع تر و همه جانبه در طول زندگی عمل کرد. و صحنه شوم، به عنوان یک زن در زندگی خصوصی و در زندگی خانوادگی، یعنی به عنوان یک مادر، به عنوان یک همسر، به عنوان یک زن صبور در مشکلات و به عنوان زنی که شوهرش در طول این هشت، نه سال همسرش، بیش از سی بار به جنگ رفته در عملیات شرکت کرده، این بانوی مخدره همه اینها را تحمل کرده است. پس اگر ما بخواهیم امروز این ابعاد را بشکافیم، این فقط مربوط به مسأله سازندگی زن ایرانی نیست، بلکه پیام عظیم به دنیاست. امروز جامعه زن در جهان متحیر است، در خلاء است و نمی داند چه باید بکند. دست او را گمراه سازان تمدن مادی گرفته اند و به هر جا که دلخواهشان هست می برند و سخنان مبالغه آمیز و تمجیدآمیزی هم به دروغ نسبت به زن می گوید که خیال کنند دارد از زن حمایت می شود. شما اگر اینها را مطرح بکنید و شعرای ما اگر اینها را بگویند و گویندگان ما اگر بخوانند، چه فرهنگ رایجی در زمینه مسائل زن به وجود می آید؟ ما خوشبختانه در زمینه های فرهنگی احتیاج به هیچ چیز دیگری نداریم زیرا غنی و خود کفا هستیم. این دیگر مسائل صنعتی و فنی نیست که دست ما به طرف دیگران دراز باشد.

خودمان آن الگوها را داریم و باید برای دنیا صادر کنیم. لهذا روز ولادت حضرت زهرا (س) یا روز وفات آن بزرگوار در روایات مختلف و مناسبت های مختلف که هزاران ستایشگر خاندان پیغمبر (صلی الله علیه وآله وسلم) و مداح اهل بیت (علیه السلام) در هزاران مجلس، شعرهایی را می خوانند، با آن شیوه ها و روش های ممکن است وجود داشته باشد، شما ببینید چه تحولی به وجود می آید. مقام فاطمه زهرا (سلام الله علیها) در خور آن است که عقول بر جسته انسانهای بزرگ در اصلی ترین رشته های تفکرات ایشان بیندیشند و زبان های فصیح ترین و بلیغ ترین گویندگان، شعرا و سرایندگان، آن اندیشه ها را قالب کلمات بیاورند و سرشارترین ذوقها و جوشان ترین طبع های فیاض هنرمندان و شاعران، آنها را به صورت شعر و سخن منظوم، با بهترین حنجره ها بیان کنند. اگر چنین شود، شاید ما انسانهای

گوشه ای از فضایل و مدایح و مناقب و محامد این بزرگوار را بفهمیم و درک کنیم. وقتی انسان به روایتی که مربوط به فاطمه زهرا سلام الله علیهاست و از ائمه علیهم السلام صادر شده مراجعه می کند، می بیند زبان معصومین (علیه السلام) آنچنان پیرامون این بزرگواران به ستایش و خضوع و خشوع گشوده شده است، که ممکن است برای کسی که مقام والا فاطمه زهرا (س) را ندانسته باشد مایع تعجب بشود. اما از خود پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) که همسرش بود و تا فرزندان او ائمه معصومین (علیه السلام) هر کدام راجع به زهرا اطهر (علیه السلام) جمله ای سخن گفتند، آن را با زبان تعظیم و ستایش بیان کردند و این نشان دهنده مقام والا و توصیف نشدنی آن حضرت است. علو درجه معنوی و ملکوتی ام الائمہ النجبا حقیقتاً برای ذهن قاصر ما قابل درک نیست و ما قدر فهم خودمان ممکن است رشحه ای از رشحات را درک کنیم.

این دختر جوان حضرت فاطمه (س) و این بانویی که در هنگام شهادت ۱۸ سال داشت، آنقدر به نماز ایستاد و عبادت کرد که پاهای مبارکش ورم کرد. آنوقت این خانوم با چنین منزلتی و مقامی کار منزل را هم خودش می کرد، پذیرایی از شوهر و فرزندان هم بر عهده خود او بود؟ روایات درباره دستاس کردن گندم توسط فاطمه زهرا (س) فراوان و متعدد است.

این بزرگوار یک زن خانه دار و شوهر دار بود، یک مادر مربی فرزندان بود، این مخدره بزرگوار در میدانهای سخت مایه دلگرمی شوهر و پدرش بود. ولادت آن حضرت در سال پنجم بعثت یعنی در عین شدت دعوت پیغمبر و فشارهای سختی که شما شنیدید اتفاق افتاد. در ولادت آن بزرگوار، زنها برای کمک نیامدند و این خیلی معنی دارد. یعنی پیغمبر در حال آنچنان مبارزه ای بود که مردم مکه او را بایکوت کرده بودند و برای اینکه پیغمبر را زیر فشار قرار بدهند، به کلی رابطه خودشان را با ایشان قطع کردند و آن زن فداکار - خدیجه کبری (س) استقامت کرد و به پیغمبر دلگرمی داد. بعد هم وقتی این دختر ۵ - ۶ ساله شد نوبت به ماجرای شعب ابو طالب رسید با آن گرسنگی سختی ها و فشارها و غربت ها بطوری که در روزهای داغ و شبهای سرد آن منطقه، شکمهای بچه ها گرسنه و لبهای آن تشنه بود و جلوی چشمان پدر و مادرشان از گرسنگی و تشنگی پرپر می زدند، سه سال پیغمبر بود. در همین دوران یود که حضرت خدیجه و حضرت ابوطالب از دنیا رفتند تنها ماند و فقط این دختر بود که از آن حضرت پذیرایی می کرد، او دلداری می داد و غبار غم و کدورت را از چهره اش می زدود و آنقدر این کار تکرار شد که پیغمبر (صلی الله علیه وآله وسلم) به این دختر ۷ - ۸ ساله گفت (مادر)! او مثل یک مادر از پدرش که همه مشکلات عالم وجود و مشکل هدایت همه بشریت را بر دوش داشت پذیرایی کرد. خدای متعالی پیامبر را به خاطر سختی ها و مشقت هایش تسلی داد. قرآن می فرماید: طه ما انزلنا علیک القرآن لتشقی ای پیامبر! چرا اینقدر به خودت سختی می دهی؟ چرا اینقدر رنج می کشی؟ چرا اینقدر فشار بر آن روح ملکوتی ات وارد می کنی؟ در آن دوران که فشار روانی پیغمبر (صلی الله علیه وآله وسلم) سنگینی می کند، این فرشته کوچک و این دختر ملکوتی و معنوی، یعنی دختر پیغمبر (صلی الله علیه وآله وسلم) مثل نوری در آن شبهای تاریک زندگی پیغمبر و مسلمانان می درخشید. برای امیر المومنین (علیه السلام) هم همین طور بود. در روایت دارد که سمیت الزهرا لانها تزهر لامیر المومنین (علیه السلام) فی النهار ثلاث مرات بالنور. فاطمه را زهرا نامیدند چون روزی سه بار در چشم علی (علیه السلام) می درخشید. اگر زن پشتیبان مرد باشد، در هر میدانی نیروی مرد به چندین برابر می رسد. قلب این زن حکمیه و این زن عالمه و این زن محدثه

قلب علی و قلب پیغمبر (صلی الله علیه وآله وسلم) را روشن می کرد و قوت می بخشید. این زن با همه ظرفیت و با آن مقام شامخ پشت سر امیر المومنین (علیه السلام) مثل کوه ایستاده و تا زنده بود در همه مراحل زندگی با تمام وجود از امیر المومنین و از مقام ولایت دفاع کرد. علامه مجلسی می گوید: بزرگان فصحا و بلغا از علو کلمات و مضامین ظاهر و باطن کلمات خطبه ای که زهرا (س) در مسجد مدینه ایراد کرد انگشت تعجب به دندان گزیدند. این بیان علامه مجلسی است، یعنی کسی که آن همه روایت از ائمه (علیه السلام) گرفته و در اختیار ماها گذاشته، در مقابل این خطبه خودش را می بازد. این خطبه عجیب را که همانند زیباترین و بلندترین خطبه های نهج البلاغه است، فاطمه زهرا (س) با آن حال غم و اندوه به مسجد رفت و ارتجالا و بدون اینکه قبلا آن را تنظیم کرده باشد بر زبان جاری کرده است. آن بیان حکیمانه و آن ارتباط با غیب و آن ظرفیت والا و بالا و آن نورانیت قلب و بیان را همه و همه یکسره در راه خدا خرج کرده است.

چیزی که با ما باید بعد از این مراحل محبت و مجذوبیت نسبت به حضرت فاطمه زهرا (س) که هر چه محبت بورزیم، برای این منبع نور و معدن فضیلت کم است به آن توجه داشته باشیم، این است که ببینیم وظیفه ما در قبال این ارتباط عاطفی و قلبی چیست و الا اگر این را ملاحظه و دنبال نکنیم ممکن است خدای نکرده این محبت، آن نتیجه ای را که انتظار داریم به ما ندهد، چون فاطمه زهرا (س) یک موجود معمولی نیست.

او یکی از برترینها در همه تاریخ بشریت است. امام صادق (علیه السلام) فرمود: (یا سیده نسا العالمین) بعد راوی پرسید: آیا مادر شما سرور زنان عالم بود یا مریم؟ حضرت فرمود: مریم سرور زنان زمان خودش بود. لکن مادر ما سرور زنان اولین و آخرین است و نتعلق به زمان خودش تنها نیست. یعنی اگر در همه خلقت عالم و در همه این میلیاردها انسانی که در طول زمان آفریده شده اند شما یک تعداد انگشت شماری برترین ها را بخواهید پیدا کنید یکی از آنها همین مطهره منوره است که این چنین اسم او یاد او بگذرانیم، از او بگوئیم و از او بشنویم بسیاری از مردم دنیا از او غافلند، لذا این هم لطف خدا بر ماست یعنی مقام آن بزرگوار به گونه ای است که علما بزرگ مسلمین و صاحبان فکر و نظر بحث که آیا زهرای اطهر (س) بالاتر است یا علی بن ابیطالب (علیه السلام)؟ آیا این مقام کمی است که بزرگان اسلام بنشینند با هم گفتگو کنند، یکی بگوید زهرا (س) بالاتر است، یکی بگوید علی (علیه السلام) بالاتر است؟ لهذا این محبت و علقه ای که وجود دارد یک وظیفه را بر دوش ما می گذارد و آن وظیفه این است که ما باید هم در عمل شخصی و هم در عمل اجتماعی به منش و روش آن بزرگوار عمل کنیم و راه همین است که امروز به فضل الهی انقلاب جلوی پای مردم ما گذاشته یعنی همان راه حضرت فاطمه زهرا (س).

برکات فاطمه زهرا (س) را مدعیان آشنایی و معرفت و ارادت به آن بانوی دو عالم در سرتاسر ایام حیات خودمان و در جلوه های گوناگون زندگی مشاهده کرده ایم و امید است که انشاءالله تداوم این برکات و تفضلات را تا همیشه زندگی و پس از مرگ هم ببینیم و حس کنیم و همه دوستان و موالیان، از انوار مطهره آن حضر مستفیض بشوند ولیکن فیوضات فاطمه زهرا (س) به یک مجموعه کوچکی که در مقابل مجموعه انسانیت جمع محدودی به حساب می آید منحصر نمی شود. اگر با یک دید واقع بین و منطقی نگاه کنیم بشریت، یک جا مرهون

(س) آشکارتر خواهد شد. و این را بشریت لمس خواهد کرد.

اگر ما بخواهیم چیزی را در راه خدا آن جایی که به آن احتیاج هست خرج کنیم، سرمایه ما چیست؟

سرمایه ما در مقایسه با آن سرمایه عظیمی که زهرای اطهر (س) و شوهر او و پدر او و فرزندان او در راه خدا خرج کردند چه قابلی دارد؟ این مختصر علم و زبان و پول و طبع شعر و معرفتی که ما داریم اگر داشته باشیم در جنب آن اندوخته عظیم بی نظیری که خدای متعال در آن وجود ملکوتی گرد آورده و مجتمع کرده چه اهمیت دارد تا در راه خدا بخل کنیم؟ راه علی (علیه السلام) و فاطمه (س) و راه ائمه (علیه السلام) امروز همان راه امام خمینی (ره) است و اگر کسی این را نداند و نفهمیده باشد باید در بصیرت خود تجدید نظر کند. ما هر چه داریم باید در راه اینها خرج کنیم و این همان چیزی است که به آن علقه معنا می بخشد.

دو- رسالت مداحان اهل بیت (علیه السلام) در سازندگی و هدایت جامعه

شما مداحان و گویندگان فضایل اهل بیت (علیه السلام) بهترین کسانی هستید که می توانید حلقه عمل را به حلقه محبت متصل کنید و یک سلسله و زنجیره ناقعی به وجود بیاورید.

عاطفه مردم ما و پیوند و عشق شان با ائمه (علیه السلام) که حقیقتاً از شادی آنها و در عزای آنها محزون و غمگین می شوند عامل بسیار مهمی است که حفظ و تقویت و پالودن و پیراستن و جهت دادن و هدایت آن بر عهده کسانی از برگزیدگان است، از جمله همین سلسله محترم مداحان که صاحب این منصب عالی هستند.

برادران عزیز این انقلاب دشمن دارد و دشمنان جدی هم دارد. اما انقلاب روی دوش ایمان مرم است و این ایمان باید هم عمق پیدا کند، هم صفا و جلا و هم مردم به این ایمان تشویق شوند. لهذا کدام زبان می تواند برای این کار از زبان مداحان اهل بیت (علیه السلام) مناسب تر باشد.

مگر ما نمی گوئیم جهیزیه حضرت زهرا (س) همان چیزهایی بود که انسان از شنیدن آنها متاثر می شود؟ مگر نمی گوئیم آن بزرگوار برای دنیا هیچ ارزشی قائل نبود و مگر می شود زن و مرد ما روز بروز تشریفات و تجمل گرایی ورز و زیور را بیشتر کنند و مهریه دخترها را زیادتر کنند؟

شما که مداح هستید بروید ای حرفها را در مجالس فاطمه زهرا (س) بگوئید، و با آنم ذوق و هنر صدای خوش، و لحن مطلوب و کیفیت جذاب خوانندگی تان، دل های مستمعان را به این حقایق نزدیکتر کنید.

سه- رسالت مداحان اهل بیت (علیه السلام) در سازندگی و هدایت جامعه

جامعه مداح باید نقش آگاه سازی را در جامعه ایفا کند. استکبار جهانی از راه تبلیغات به جنگ انقلاب ما می آید و این همه رادیو که در دنیا با هزینه های گزاف به کار انداخته اند، برای این است که بتوانند در ایمان مردم ما تزلزل ایجاد کنند. لکن این یک طمع خام است و به فضل الهی هر روزی می گذرد ما می بینیم مردم ایمانشان راسختر می شود. برادران ما دیروز از جبهه خبر می دادند و می گفتند نمی دانی چه خبر است و چه شور و هیجانی در میان این جوانان بسیجی هست و چه عشقی و چه امیدی یه پیروزی دارند. این از ایمان ناشی می

بینید. بنا براین ایمان مردم ما متزلزل شدنی نیست. اما بایستی آن کسانی که زبان گویا دارند هر چه می توانند برای مردم روشنگری کنند. شما امروز می توانید آن شعری را که روشنگر مردم باشد در اختیار داشته باشید و با صدای خوب و با شیوه های مطلوب برای مردم بخوانید تا در آنها اثر بگذارید.

چهار- رسالت مداحان اهل بیت (علیه السلام) در قبال شهدا

در تهران یا قم و یا هر جای دیگر که برادران هستند از حضور در مجالس شهدا غفلت نکنند. من خواهش می کنم برادران با جستجو محافل شهدا را پیدا کنند و خودشان در آنجا حضور پیدا کنند و منتظر دعوت آنها نباشند. کما اینکه شنیدم بعضی از برادران مداح همین طور هستند و اصلا خودشان می روند مجالس شهدا را پیدا می کنند و در آنجا مداحی می کنند. اگر این سازماندهی شده باشد، خیلی بهتر است. جامعه مداحان کنونی در تهران، قم، کرج، و هر جای دیگر که آقایان هستند اصلا سازماندهی کنند و با تقسیم شهر، مداحان هر قسمت را موظف کنند، یک نفر را مامور کنند و مثلاً عده ای از مداحان روز شنبه را اختصاص به شهدا بدهند و شش روز دیگر هفته را به کارهای معمولی خودشان و دعوت های مردم بپردازند. بعضی ها یکشنبه و بعضی ها دوشنبه و به همین منوال تا جمعه را اختصاص به شهدا بدهند، که مردم بدانند برای شهید می توانند در هر مجلس یاد بودی بگیرند. خدا شاهد است که اگر من مداح و منبری بودم و وقت داشتم آرزو می کردم بروم در مجالس شهدا مداحی یا صحبت کنم و یا شعری بخوانم. منتهی فرصت نمی کنم. لکن اگر برایم امکان داشت بدانید که نمی گذشتم هیچ وقتی از اوقاتم از حضور در مجلس شهدا فوت شود. هم تسلی آنها و هم بزرگداشت شهادت آنها بسیار عزیز و محترم است و امروز اینها علی اکبرها هستند.

اینها هستند که امروز به ندای هل من ناصر سید الشهداء (علیه السلام) پاسخ گفتند و دارند فداکاری می کنند. ما در طول تاریخ هیچ کس را نمی توانیم با شهدای کربلا مقایسه کنیم. آنها مقام و موقعیت دیگری دارند. اما آنها را می توان با شهدای زمان پیغمبر (صلی الله علیه وآله وسلم) مقایسه کرد. واقعا بعضی از شهدا امروز ما از شهدای زمان پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) بالاترند و بعضی شان هم با آنها برابرند. حنظله غسیل الملائکه و بقیه شهدا که در دوران های مختلف بودند در زمان ما هزاران نظیر دارند. به هر حال خانواده های شهدا خیلی ارزش دارند.

توضیح: بخش ششم با استفاده از بیانات مقام معظم رهبری همراه با حاشیه و مقداری دخل و تصرف از نظر خوانندگان محترم گذشت.

بخش هفتم: فنون مداحی

این بخش از نظر آموزشی بسیار مهم و ارزشمند است. و لذا در خواست داریم که به دقت مطالعه و در مجالس به کار برده شود. تا همه دریابیم با رعایت نکات فنی در مداحی مجالس اهل بیت (علیهم السلام) زیبا و جذاب خواهد بود. و هیئت ها از بی نظمی و پریشانی نجات پیدا خواهند کرد. این خواسته استعمار است که در جلسات روضه هر کس هر شکلی خواست مداحی کند هر چیزی دلش می خواهد بخواند. ما معتقدیم اهل بیت (علیه السلام) منشاء و بنیانگذار نظم و برنامه هستند. از وصایای مهم امیرالمومنین علی (علیه السلام) نظم

- حاکم شد یادگیری و شعور بالا خواهد رفت.
در این بخش بر آنیم تا فنون زیر را تشریح نمائیم.
- (۱) فن مجلس خوانی (مجلس شاعرانه و مجلس عالمانه)
 - (۲) فن بین المجلس خوانی
 - (۳) نوحه خوانی
 - (۴) دم خوانی
 - (۵) واحد خوانی
 - (۶) بحر طویل خوانی
 - (۷) زمینه خوانی
 - (۸) شور خوانی
 - (۹) شرر پاشی یا تکه خوانی
 - (۱۰) قصیده خوانی
 - (۱۱) مثنوی خوانی
 - (۱۲) دکلمه خوانی
 - (۱۳) مرصع خوانی
 - (۱۴) خود خوانی
 - (۱۵) ردیف خوانی
 - (۱۶) غریب خوانی
 - (۱۷) چارپایه خوانی
 - (۱۸) تازه خوانی
 - (۱۹) فن گریز یا پل سازی
 - یک) مجلس خوانی

همانطور که در مقدمه این بخش ذکر شد مجلس خوانی دو گونه است.

الف: مداحی شاعرانه

بعد از اینکه مداح موضوع مداحی را انتخاب کرده که در چه موضوع یا محوری مدح و مرثیه یا شعر و سخنی اجرا کند به مرحله اجرا، می رسد. مداحی شاعرانه از اول با شعراست و موضوعات مهم و جالب و ادبی مورد توجه قرار می گیرد. و اجرای شعر با شواهد داستان و

شعر گاهی در هر مصراع پراکنده و مختلف است. به انتخاب بیان، تفهیم، حسن سلیقه بسیار دیده و شنیده ایم. که مداحی با بیان جذاب یک موضوع و شعر و مضمون حساس و آتشین داشته ولی به علت عدم جذابیت بیان نتوانسته است تاثیر بگذارد. و لذا به همین علت مضمون را هم ضایع ساخته است.

ب: مداحی عالمانه

در اینگونه مداحی شروع مجلس بیشتر با استفاده از دعا، زیارت، خطبه، یا اشعار عربی یا روایات ولایی یا احادیث متناسب موضوع آغاز می شود. در این بخش از روایات جذاب استفاده می شود وقتی به روضه می رسیم. حالات و عواطف و احساسات به حد شورانگیز می رسد. در مداحی عالمانه بیان و تاثیر و انتخاب زیبایی های گفتاری بیشتر پیرامون محورهای علمی، تاریخی، روایی و اخباری بوده و رساندن معارف و پیام و درس مکتبی در نظر مداح است که با زبان شعر و مرثیه بیان می شود. در مرثیه بیشتر از مقاتل عربی هستند استفاده می شود.

مضامین باید بر گرفته از روایات، احادیث، اخبار تاریخی باشد. در مداحی شاعرانه مداح راحت و آزادتر است ولی در مداحی عالمانه مداح باید در احادیث و اخبار و روایات کم و زیاد یا غلو نکند. از معصومین (علیهم السلام) سخنی بدون مدرک و شبهه ناک نقل نکند و قدرت استنباط داشته باشد.

در مداحی شاعرانه اگر مداح مطالعه و سرمایه معلوماتی در مقاتل نداشته باشد با توضیح شعر مرثیه می تواند مجلس داری نماید. اما در مداحی عالمانه گفته ها عمیق تر و تحقیقی و کامل تر بیان شده و از حدی که در شعر به آن اشاره شده فراتر می رود. وقتی سخن به این جایگاه می رسد باید بگوئیم که مداحی یک مکتب است که معرفی آن هنر و هنرمند می خواهد.

دو) فن بین المجلس خوانی

همانطور که از عنوان بحث مشخص می شود در این قسمت مداح خود آغاز کننده نیست. بلکه بین مجلس از مداح یا سخنران مجلس را تحویل می گیرد. و چند درجه دارد.

الف) بلافاصله بعد از واعظ اگر مجلس گرم و آماده است و سخنران روضه خوان و مرثیه خوان قهار باشد دیگر نیاز به مقدمه چینی نیست و باید در همان حال مجلس را اداره کند.

ب) در بین دعا یا زیارت با ترجمه قسمتی از آن شعر یا روضه مناسب آن را انتخاب کرده که با شور و حال خاص خوانده می شود.

ج) بعد از مداح دیگری مجلس را تحویل گرفته به همان شکل بند الف باید ادامه دهد. اگر واعظ یا مداح قبلی مجلس را به حد اوج شور و حال نرسانده اند در اینجا اگر مداح می تواند با فرود آمدن مجلس را گرمی بخشد مقدمه چینی آن هم با شعر خوب مانعی ندارد.

د) بعد از مداحی مجلس را تحویل میگیریم که وارد نوحه شده ما در اینجا باید واحد را شروع کنیم یا اگر نوحه به همان سبک داریم. یک یا دو بند و سپس واحد را ادامه دهیم.

خواهیم کرد.

و) مداح قبل تمام مجلس را خود اداره می کند یعنی شروع، مرثیه، زمینه، نوحه، واحد و شور. سپس مداح بعد وارد می شود اینجا باید بسیار کوتاه در سه تا پنج دقیقه در شور و حال و اشعار طوفانی مجلس را ادامه و سریع به دعا ختم شود. چون معمولا بعد از روضه و سینه زنی و شور کمتر افراد به روضه پایان مجلس توجه دارند البته این در همه مجالس یکسان نمی باشد. برخی از مجالس مثل بازار هیئت های قدیمی بیشتر به روضه آخر مجلس علاقه دارند.

تذکر ۱: بندهای مذکور در مجالس مدح هم کارائی دارد. و عزیزان باید در مولودی خوانی هم این قواعد را سر لوحه قرار دهند.

تذکر ۲: مداحان کار کشته در هر که مجلس را به آنها تحویل دهیم با خواندن چند بیت یا با سخنی یا شوری مجلس را به دلخواه به اوج یا فرود می آورد. که این کار هر کسی نیست.

سه) فن نوحه سرائی و نوحه خوانی

یکی از مواردی که در مجالس اهل بیت از دیرباز مرسوم بوده نوحه خوانی بوده و نوحه خوانی در محرم بسیار گسترده می شود و هر کس با هر تیپ و سلیقه و سطح سواد حتی از افراد بی سواد نوحه هائی را با گوش دادن حفظ و می خواندند. و مشاهده می شده که برخی از نوحه از مضامین بسیار ضعیف و بعضا از تحریف برخوردار بود. و یا هر سال تکرار می شد. گرچه تکرار برخی از نوحه نه تنها ایرادی ندارد بلکه در پوست و خون مردم است و انصافا دل و قلب هر مستمعی را به خود جذب می کند مثل:

امشب شهادت نامه عشاق امضاء می شود. گلی گم کرده ام می جویم او را، ای ساقی لب تشنگان ای جان جانانم. و از این قبیل نوحه که بستگی به عیار اخلاص نوحه سرا و نوحه خوان دارد.

به برکت انقلاب و دفاع مقدس و توجه ویژه شعرای مذهبی امثال حضرات آقایان حاج غلامرضا سازگار، حاج سید رضا مؤید حاج علی انسانی، نوحه ها هر سال از رشد کمی و کیفی خوبی برخوردار بوده است. و مضامین ضمن برخورداری از روح ادبی از امتیازات دیگر مثل برانگیختن احساس و عاطفه استفاده از مقتل و روضه و زبان حال های بسیار جذاب و شورانگیز استفاده می شود. و هر سال هم از سبک ها و وزن های جدید استفاده می شود. اما در چند سال اخیر متاسفانه برخی از کتب و جزوات به جای تقویت این مهم به جمع آوری شورهای با مضامین بسیار ضعیف و برخی هم دون شان اهلیت و اهانت به ذوات مقدسه اهلیت (علیه السلام). تشبیه کردن خاندان آل محمد (صلی الله علیه وآله) به گل و بلبل و گیاه و قناری و استفاده از سبک های مبتذل غربی و آهنگ های مبتذل آوازه خوان های قبل از انقلاب به بهانه جذب چند جوان و استفاده از عبارات شرک آمیز حسین اللهی، رقیه اللهی، زینب اللهی، انا عبدالرقیه، هر چه بادا باد علی پرستم من، روی آورده اند و کتب و جزوات هم با کیفیت بسیار پائین و قیمت گزاف به فروش می رسد. و اسمش را می گذارند ترویج فرهنگ حسینی یا علوی یا فاطمی پناه می بریم به خدا. البته انتقاد در این خصوص به نوشتن یک کتاب نیاز دارد. اما امیدواریم عزیزان مداح به این مهم توجه کنند. و عنایت داشته باشند که نوحه خوان واقعی کیست.

استاد ارجمند حاج علی انسانی در یکی از نوحه های جانسوز و نغز اینگونه سروده اند.

پای نی خواهر تو

دختران سینه زنان

نوحه خوان مادر تو

اولین کسی که برای اباعبدالله نوحه خوانی کرد. حضرت زهرا (س) بوده و لذا به ارزش این موضوع باید پی برد.

و نوحه خوان ضمن برخورداری از اخلاص و صلاحیت اخلاقی و عملی و ظاهری باید به کیفیت و مضامین نوحه توجه نمایند.

اما چند نکته راجع به فن نوحه خوانی

۱) نوحه ها باید از مضامین جانسوز برخوردار بوده و دم (پاسخی که مستمعین می دهند) هر چه کوتاه تر باشد برای یادگیری بهتر است و زودتر مجلس نوحه به اوج خود می رسد.

۲) استفاده از تحریر و تکرار برخی از مضامین باعث حزن و اندوه می شود و برخی از محافل هم مبدل به گریه و روضه می شود.

مثال در یکی از نوحه های جانسوز راجع به حضرت رقیه (س)

زد ز راه کین عدو (زخم قلبم را نمک) (۳) تکرار قسمت دوم از خط اول مستمع را آماده می کند برای شنیدن مصراع دوم

زد ز راه کین عدو زخم قلبم را نمک

نام تو می بردم و او مرا می زد کتک

یا در نوحه حضرت زهرا (س)

تو فتادی من نشستم، تو خمیدی من شکستم، از خجالت دیده بستم

مستحضرید تکرار مضامین مذکور اوج مصائب و دردهای دل مولا امیرالمومنین (علیه السلام) می باشد و باعث شدت حزن مردم می شود.

۳) برای تسلط بر نوحه خوانی نوحه را باید چند بار قبل از مجلس مرور کرد.

۴) جدا از نوحه هایی که شائبه هتک حرمت اهل بیت (علیهم السلام) است و یا از سبک ها و آوازهای مطرب استفاده می شود خودداری شود.

۵) متناسب با مضامین و موضوع نوحه باید واحد خواننده شود.

۶) اوج و فرود در نوحه خوانی باعث زیبایی نوحه می شود.

۷) در برخی از نوحه ها و بعضی از شبها مثل شام غریبان، شب شهادت برخی از ائمه اطهار (علیه السلام) در پاسخ و یا بعضی از بندهای

نوحه از مستمع خواسته شود دو دست بر روی سر بیاورند که در تقویت حزن نوحه خوانی موثر و مفید است.

ادامه بحث نوحه و دم خوانی

نمائیم. و مناسب دیدم از مباحث ارزشمند حاج علی انسانی خوشه بچینیم و لذا مطالب ذیل از گفتار ایشان با مقداری دخل و تصرف مناسب حال این نوشتار از نظر مخاطبان محترم می گذرد. و با این تک بیت آغاز می نمایم.

دل حسینه نفس نوحه، طپش سینه زنی است

دم بگیریم که عمر همه یک دم باشد

در رابطه با کلمه ((دم)) و ((نوحه)) که معمولا هر دو با هم و مترادف هم می آورند. اما هر کدام معنای خاص خود را دارد. و دو معقوله ای جدای از هم است. ((دم)) را می شنوند و معمولا مستعین آن را تکرار می کنند و پاسخ می دهند. ولی نوحه به معنای زاری کردن است در اصطلاح کلمه ((دم)) در لغت نامه دهخدا معانی گوناگونی دارد. که به بعضی اشاره می شود. ((م)) به معنای نفس و هوای است که با حرکت آلات تنفس در شش ها داخل و خارج می شود و به آن دم و بازدم می گویند.

((ذکر من هر دم یا حسین هر بازدم یا زینب است))

سعدی می فرماید: هر تنفس که فرو می رود ممد حیات است و چون برآید مفرح ذات.

دم به معنای کلام و صدا نیز آمده مثل خجسته دم، فسرده دم.

دلش پر غم و درد بینم همی

لبش خشک و دم سرد بینم همی (فردوسی)

دم ز خواهش چون مصفا شد دم عیسی شود

دست چون شد از طمع کوتاه ید بیضا شود (صائب)

دم به معنای لحظه دمی به آسایش برآوردن

هر دم از این باغ بری می رسد (سعدی)

دم به معنای دعوت، ادعا و لاف و در محاوره می گویند فلانی دم از مردانگی می زند.

بیهوده چرا هر که زند لاف تجرد

هر بی پدری عیسی مریم شدنی نیست (صابر همدانی)

دم در لسان عرب به معنای خون است.

در نتیجه دم به چند کلام در وزن های مختلف عروضی می گویند که مداح برای عزاداران و سینه زنان با نوای خاصی می گویند و با همان شیوه و آهنگ که می شنوند به صورت جمعی جواب می دهند.

گاهی دیده شده که دم در دسته های عزاداری آنچنان توجه را جلب می کند که در کوچه و بازار و خیابان اشخاص رهگذر را هم تحت تاثیر قرار داده و به آنها پیوسته اند و دم می تواند محور نظم و یکپارچگی از مبدا تا مقصد باشد.

اگر در سروده ها دقت شود نتایج مثبت فراوانی را به همراه خواهد داشت.

در فرهنگ نوحه به معنای بیان مصیبت و گریه کردن با آوای بلند آمده در لغات هم به معنای آواز ماتم و شیون و گاهی به معنای ندبه، مویه گری و زاری در عزای عزیز از دست رفته آمده است.

چرخ گردون بسی بر آورده است. نوحه و نوحه گر ز معدن سور

گر بود در مجلسی صد نوحه گر

آه صاحب درد را باشد اثر (عطار)

کوتاه سخن اینکه دم کار ذاکر است و مداح و نوحه کار مستمع و اگر در چارچوب باشد. شنونده به نوحه کردن تشویق و ترغیب می شود. و اگر از زاویه حماسی و مکتبی و فخامت زبان کم رنگ باشد اما خاصیت تاثیر گذاری بر عواطف داشته باشد کوشش لازم را به فخامت آن می دهد.

یک مرد مانده بود و کران تا کران عدو

یک تیر مانده بود و جهان تا جهان نشان

در پایان ((شایسته)) است تا آنجا که ادب و آداب می طلبد در اینگونه سروده ها از تعبیر تحقیرآمیز و موهن مطالبی که در شاعن عزیزان خدا نیست پرهیز شود. در غیر این صورت عمر سروده ها کوتاه خواهد بود و سراینده آن بی پایگاه.

چهار) فن دم خوانی

دم خوانی یعنی مداح شعری آهنگین و موزون را بخواند و مستمع یا با او هم خوانی کند یا با یک مصراع و یک جمله و یا کلمه یا اسم و ذکر به او پاسخ دهند.

۱) جانم علی ای جان جانانم علی. مستمع این ذکر را می گوید و مداح شروع کند بندهایی را در همین وزن می خواند.

۲) شرف معیار و ایثار حسین است.

هدف آمال و افکار حسین است در اینجا مستمع آخر شعر را (حسین است) تکرار می کند.

۳) نشر حقایق را ببین قرآن ناطق را ببین.

مادر بیا مادر بیا احوال صادق را ببین واویلتا، واویلتا. در این قسمت مستمع با ذکر واویلتا به کمک مداح می شتابد.

۴) گل رنگ بو ندارد آبی به جوی ندارد روکن به هر که خواهی گل پشت رو ندارد یابن الحسن یابن الحسن

مستمع فقط ذکر یابن الحسن را تکرار می کند البته موارد زیادی از انواع دم وجود دارد که ما به همین چهار مورد بسنده می کنیم.

چند خاصیت دم خوانی

۱) در بین المجلس خوانی بسیار استفاده می شود و مفید هم واقع می گردد.

۲) یکی از موفقیت مداح این است که بتواند از ابتدا مجلس دل و زبان مستمع را با خود همراه کند یعنی از مستمع کار بکشد. و در صحنه

مداحی بوده و حواسشان جای دیگر نباشد. بهترین روش دم خوانی است که موقعیت را به وجود می آورد.

ایجاد می شود تا مداح تازه کار به تدریج مسلط شود. و در مواقع سکوت با شجاعت و بدون اضطراب به کار خود ادامه دهد.

۴) حسن دیگر این است تا مردم پاسخ یا ذکر را می گویند مداح در این فاصله تنفس نموده و برای ادامه مجلس آمادگی لازم را کسب می کند باید توجه داشت اشعاری که برای دم خوانی انتخاب می شود. باید ساده، روان، همه فهم و زود فهم باشد. تا بلافاصله مستمع آن را یاد بگیرد و با مداح بخواند و لذا باید مواظب بود در دم خوانی اشعار سنگین الفاظ و تشبیهات مبهم و کلمات خشن و غیر عاطفی نباشد در اینجا روح عاطفی و احساسی باید بیشتر از روح ادبی باشد البته مطلقاً از الفاظ ضعیف استفاده نشود.

پنج) فن واحد خوانی

واحد معمولاً بعد از نوحه خوانده می شود. و باید از ویژگیهای ذیل برخوردار باشد.

الف) شعر واحد آتشین و جانسوز و دارای روح حماسی باشد.

ب) معمولاً اشعار در قالب مثنوی بیشتر در واحد خوانی کارایی دارد.

ج) استفاده از میان دار مجرب در واحد بسیار موثر است.

واحد خوانی معمولاً سه شکل است.

۱) مداح چند بیت را مستمر خوانده و بعد از چند بیتی با آهنگ مناسب و به مقتضای حال مجلس سینه زنی پاسخ از مستمع می گیرد.

۲) مداح هر مصرع یا بیتی را خوانده بدون فاصله مستمع پاسخ می دهد.

۳) مداح شعری را به طور کامل اجرا می کند و در پایان متناسب با وزن همان شعر وارد شور می شود.

در واحد خوانی هم فنون بین المجلس خوانی باید مراعات شود.

تذکره: اگر مستمع خوب و سر حال بود خوب است شعر مرثیه ای و دارای معانی مقتل خوانده شود تا بین سینه زنی اشک هم باشد اگر غیر از

این باشد نباید شعر مرثیه ای خوانده شود و بیشتر از اشعار مدحی و ساده استفاده شود.

شش) فن بحر طویل خوانی

بحر طویل خوانی از فنون قدیمی در مداحی به شمار می رود. که مداحان قوی و برجسته قدیمی بیشتر استفاده می کردند زیرا حفظ کردن

و خواندن بحر طویل تبحر خاصی می خواهد. که معروفترین آن شیر سرخ عربستان وزیر شه خوبان که در پایان مراسم سینه زنی خوانده می

شد و سینه زنان پاسخ می دادند شه با وفا ابوالفضل صاحب لقا ابوالفضل

متأسفانه به جای اینکه روز به روز فنون ما شکل بهتری پیدا کند به آفتی گرفتار شدیم که بهتر است نام آن را سبک گرائی و سبک پردازی

بگذاریم. به هر حال بحر طویل امروز خیلی کم اجرا می شود. مگر توسط میانداران قدیمی و مداحان قدیمی که امروز شورهای بی محتوا

جای آن را گرفته است. برای استفاده عزیزان یک نمونه کامل از بحر طویل را در اینجا می آوریم.

بحر طویل راجع به حر علیه الرحمه

از غلامرضا سازگار

حیدر کرار در آن مرحله حر بود گرفتار فتاده به تنش لرزه در آن عرصه پیکار به دل داشت زغم آه شرر بار گهی بخت به جنت کشدش گه بسوی نار سرشکش به رخ و گفت که ای قادر جبار، من و جنگ حسین ابن علی رهبر احرار به ذات احد داور غفار که هرگز نکنم رو بسوی نار، به ناگاه چو خون یکسره جوشید و خروشید همه هستی خود باخت فرس تاخت بسوی حرم یوسف زهرا و به لب داشت بسی ذکر و دعا را

حسین جان توبه کردم بیا دور بگردم

تویی درمان و دردم

پسر فاطمه فرمود که ای حر ریاحی تو دگر حر حسینی یار ام الحسینی تو بریری تو زهیری تو علی اکبر و عباس رشیدی تو همه صدق و صفایی تو همه شور و نوایی تو دگر از شهدایی تو گل سرسبد کرب و بلائی تو دگر توبه نمودی تو به ما چهره گشودی زهی از حسن ختامت زهی از قدر و مقامت زهی از شور کلامت زهی از مشی و مرامت چه شود تا که بیایی به برما و

بینی کرم و عفو خطا را

صفا آوردی ای حر

چها آوردی ای حر

حر چو دید آنهمه لطف و کرم و بخشش و احسان و عطا گفت: که ای شمس هدی نور خدا سید خیل شهداء لحظه ای آرام نگیرم ابدتا تا که شود از بدنم روح برون راس جدا اذن کرم کن که روم جانب میدان و به راه تو دهم جان، و شوم کشته در این دشت بلا با لب عطشان من اگر راه تو بستم دل زار شکستم به خدا از تو و از زینب و عباس و سکینه خجل استم بلکه جبران کنم از داد جان جرم و خطا را

حسین جانم فدایت بمیرم من برایت

فدای خاک پایت

چون گرفت اذن در آن دشت بلا گشت پر از نور و لا تاخت به سوی یم لا داد بر آن قوم ندا گفت که ای قهر خداوند جزاتان بنشیند همه مادر به عزاتان که دل فاطمه شکسته و به روی پسرش آب بستند شما کافر و پستید شما کفر پرستید من امروز دگر حر فداکار حسینم به خدا یار حسینم که به ناگاه یکی نعره کشید از جگر و تیغ کشید از کمر و گشت سراپا شرر و ریخت تن و دست و سرو داد ندای ظفر و

رفت که نابود کند یکسره آن قوم دغا را

شجاعت زنده گردید وفا پاینده گردید

عدو شرمنده گردید

دشمنان یکسره گفتند که احسن به چنین غیرت و انی همت و این عزت و این صولت و این هیبت و این قدرت و این نیرو این بازو این عزم و صلابت که به هم ریخت بسی میمنه و میسره را خصم فراری شده با خفت و خواری همه با شیون و زاری فلک انگشت به لب ماند و ملک نعره تکبیر زد و تا که شد از زخم فراوان تن پاکش چو زره تاب زتن داد و فتاد از سرزین خواند شه ارض و سما را

به اولاد رسولم

یوسف فاطمه آمد سوی میدان سر حر را زوفا بر سردامن بگرفت و نگه از لطف و کرم کرد بر آن کشته آزاده دلداد و فرمود که ای حر تو دگر شهیدی چه نکو مادر تو نام تو حر گفت دگر همدم مایی شریک غم مایی تو هم محرم و هم محرم مایی و تو همه صدق و صفایی تو سفیر شهدایی تو دگر پاک زهر جرم خطایی زتو گیرند دگر اهل وفا درس وفا را

تو دیگر حر مایی شهید کربلایی

همه صدق و صفایی

هفت) فن زمینه خوانی

زمینه خوانی معمولا برای آمادگی بیشتر سینه زنی قبل از نوحه خوانده می شود. و مداح آرام آرام شروع به خواندن می کند تا به تدریج سینه زنی شکل بگیرد. در این حالت مستعین نشسته سینه می زنند. رعایت چند نکته در این قسمت الزامی است.
(۱) ذکرهایی زمینه کوتاه باشد تا مستمع بلافصله یاد گرفته و جواب دهد اگر مطلب و دم طولانی باشد هم مستمع هم مداح به مشقت افتاده و از هدف یعنی آماده سازی و زمینه چینی سینه زنی دور می افتد.

(۲) استفاده از اشعار جانسوز که حتی در بین زمینه حالت حزن و اندوه و همراه با گریه باشد. خیلی مناسب است.

هشت) فن شور خوانی

شور خوانی از قدیم مرسوم و معمول بوده ولی بعد از انقلاب به لحاظ برپایی محافل شهدا اعم از تشیع شهدا به ویژه شهدای برجسته انقلاب مثل حوادث هفتم تیر، هشتم شهریور شهادت شهدای محراب، رواج بیشتری یافته و به شکل ها و آهنگ ها و سبک های مختلف خوانده می شود.

شور خوانی بعد از نوحه و واحد اجرا می شود. و سینه زنی تند و در برخی از موارد. از حال و هوای طبیعی خارج شده و غرق ذکر می گردند که عموما جوانان عزیز بیشتر به این بخش علاقه مند هستند. اما امکانات مهمی در شور خوانی وجود دارد که باید حتما مراعات شود.

(۱) حتما بعد از نوحه و واحد خوانده شود.

(۲) جدا از مضامین موهن و شرک آمیز (حسین الهی، علی الهی، انا عبدالرقيه یا الفاظی که احساس لات منشی و کوچه بازاری می رود مثل باهاتم، چشاتم، پرهیز شود.

(۳) حتما شور خوان خودش در اوج شور و حال باشد.

(۴) مضامین مورد استفاده در شور با معنوی، عاطفی و احساسی داشته باشد تا به حزن و اندوه فراوان شور خوانی صورت پذیرد.

(۵) سینه زدن طوری نباشد که مورد وهن قرار بگیرد. باید میان دارانی تربیت کرد که کنترل سینه زنی بخصوص در قسمت شور خوانی را به دست بگیرند.

نماییم. (خلاصه کلام اینکه شور باید همراه با شعور باشد).

نه فن شررپاشی یا تکه خوانی

این فن از فنون بسیار مشکل، دشوار، استادانه و هنرمندانه است و اگر کسی به ویژگیها و خصوصیات آن آشنا نباشد مجلس گرم را به سردی می کشاند. زیرا فن تکه خوانی یا شررپاشی باید موجب گرمی و افزایش شور و حال مجلس شود.

در شررپاشی یا تکه خوانی به موارد ذیل باید توجه شود.

۱) مداحی در حال خواندن شعری است که مداح استاد و کارکشته و با تجربه به تناسب و مقتضای حال و مضمون و مرثیه و گفتاری خوانده می شود. گفته ای داغ تر و یا زیباتر با سبک و حال خاصی بیان مداح را قطع نموده و به شکل جذاب باعث دگرگونی محفل می شود.

مثلا مداحی در حال خواندن این شعر است:

ای زجمالت فروغ حق متجلی

خاک مزارت بهشت اهل تولی

سینه و دست تو بوسه گاه پیمبر

اینجا مداح استاد که در مجلس حضور دارد می گوید پس میخ دور تازیانه دشمن آنجا چه می خواست. پس شیطان در بیت حی تعالی چه می کرد. یادم نمی رود در محفلی مرحوم محمد علی مردانی که وارد محفل شد. چون پیرومرد بود. مداحی که در حال اجرای برنامه بود اعلام کرد که حاضرین راه را باز کنند آقای مردانی تشریف بیاورند جلو. مداح استادی سخن را قطع کرد و گفت یا فاطمه یک پیر غلام وارد مجلس شد می گویند راه را باز کنید. ای کاش یک نفر در مدینه بود می گفت راه را باز کنید تا دختر پیامبر عبور کند. و صدها موارد از این قبیل محافل که حتما دوستان یا دیده اند و یا شنیده اند.

۲) مواردی در تکه خوانی یا شررپاشی دخالت دارد.

مستمع شناسی، حالت شناسی، شعرشناسی، قدرت بیان، لحن و آهنگ مناسب، زمان شناسی، جایگاه و پایگاه مداح در مستمع، روان بودن و گرم بودن گفتار یا شعر، مطالب و اشعار کوتاه و جانسوز و آتشین.

۳) در بعضی از هیئت ها و شهرستانها این موضوع برای مردم تازگی دارد. و اجرای این فن شاید اثرات منفی داشته باشد.

۴) برخی از شررپاشی و یا تکه خوانی به حالت نمایش است. مثلا آوردن گهواره و یا بچه شش ماهه در روضه حضرت علی اصغر، حضور دختر بچه سه ساله محجبه در محفل حضرت رقیه (س) حضور پدر شهید در روضه حضرت علی اکبر (علیه السلام).

ده) فن قصیده خوانی

قصیده خوانی یکی از فنون برجسته مداحی است و مداحان قدیمی بیشتر به این مسئله می پرداختند. و عموما قصیده خوانی مورد نظر و تأیید ائمه اطهار علیهم السلام بوده است. زیرا در شعر شعرای بزرگ مثل سید حمیری، فرزادق حسان بیشتر قصیده را مشاهده می نمایم. قصیده

معارف، داستان و فضائل و مدایح و مناقب اهل بیت علیهم السلام بپردازد و مستمع شنیدن یک قصیده آنچه نیاز دارد به او می رسد. برای نمونه قصیده غدیریه حاج غلامرضا سازگار را در جلد ۱، نخل میثم، قصیده مدیحه حضرت زهرا (س) را در کتاب جلوه های رسالت

سید رضا مؤید با مطلع

اول دفتر به نام خالق اکبر

آنکه سزد نام او در اول دفتر

مطالعه نمائید تا بر این ادعا مهر صحنه بنهید.

و اما ویژگیها و نکات مورد نیاز در قصیده خوانی

۱) در قصیده خوانی مجلس زودتر به مقصد و نتیجه نزدیک می شود و نیازی به مقدمه و مؤخره نمی باشد. همه کار با شعر انجام می شود و

توضیح و روضه هر موضوع با همان شعر انجام می شود و توضیح و روضه هر موضوع با همان شعر ادا می شود.

۲) مستمع مطالب بیشتری را می فهمد و به بیراهه نمی رود و در واقع منحرف نمی شود.

۳) مداح باید برای پیاده کردن قصیده به مضامین دقت کند اگر حماسی است محکم بخواند اگر عاطفی است ملایم بخواند. استفاده از

حرکات دست در قصیده خوانی زودتر مشتمع را به محتوی قصیده آشنا می نماید.

۴) چون قصیده طولانی است باید شعر را طوری خواند که مستمع احساس کسالت و خستگی نکند.

۵) اگر قصیده پیوسته است و موضوعی است نباید ابیات آن حذف شود.

در آخر باید متذکر شد که قصیده خوانی مطلوب است که متأسفانه به فراموشی سپرده شده است و کمتر مداحی قصیده خوانی می کند.

یازده) فن مثنوی خوانی

مثنوی یکی از قالب های شعری مشهور در شعر فارسی است. اشعار فارسی در قالب فوق بسیار در مداحی اهل بیت (علیه السلام) کاربرد

دارد و شعرای معاصر در این قالب اشعار و مدح و مرثیه زیاد سروده اند. که بیشتر آنها در شعر آقای غلامرضا سازگار و حاج علی انسانی،

سید رضا موید، شفق و سایر شعرا دیده می شود. اما نکاتی چند راجع به مثنوی خوانی:

۱) مثنوی در مدیحه خوانی بسیار جذاب است. چون بعضا هر بیت معنی خاص خود را دارد. و معمولا از زیبایی خاصی برخوردار است.

۲) در شعر مرثیه، مثنوی، اگر شعر خوب باشد. و معانی خوانده شود شاید کمتر به روضه نیاز باشد مانند:

هر چه نیرو داشتم بردم به کار

تا نبیند غنچه ام آسیب خار

یا مثلا: خطاب به حضرت زینب (س) می گوید:

به کربلا با توجه تقدیر کرد

که داغ یک روزه تو را پیر کرد

۴) اگر برخی از ابیات مثنوی را فراموش کنیم به شرط اینکه پیوسته موضوعی در آن نباشد. به چشم نمی آید. و در واقع ایرادی ندارد.
۵) مثنوی یکی از شعرهایی است که می توان با استفاده از آواز موسیقی مثل دشتی، شور و... آن را خواند که البته بحث هر کدام متفاوت است و ما اینجا بنا نداریم به موسیقی بپردازیم.

دوازده) فن دکلمه خوانی

خیلی از افرادی هستند که صدای خوبی ندارند ولی شعر مدح و مرثیه را شاعرانه دکلمه خوانی کرده و با هیجان و احساس و نمایش رفتاری و گفتاری غوغایی به پا می کنند که مداحان خوش صدا نمی توانند آنگونه اجرا کنند. دکلمه خوانی در مداحی ویژگیهایی دارد که برخی از آنها ذکر می شود.

۱) اگر کسی از سرمایه صوتی محروم است می تواند از این شیوه استفاده برده و مداحی کند.

۲) هنرنمایی در اجرای این فن بسیار موثر است. و لذا نقش احساس هیجان و تفهیم در شعر بسیار کارایی دارد.

۳) اگر در مجلسی همه هنرنمایی صوتی کرده باشند و مداحی دکلمه خوانی کند موفق تر خواهد بود. اگر به مرثیه اش گریه کنند یا نکنند یا به شعر او کسی پاسخ هیجانی بدهد یا ندهد هرگز به اعتبار و آبروی گوینده لطمه وارد نمی شود.

۴) رفتار و حرکات نمایشی در تفهیم شعر و مضامین آن بسیار مؤثر و بر معدل کار مداح می افزاید.

۵) اگر مداح دکلمه خوان، خودش به گریه و سوز و شور و حال و اخلاص درونی آمیخته باشد، دکلمه خوانی او تاثیر بسزایی دارد. و کمبود صوت آهنگ را جبران می کند. و اگر دکلمه خوانی خشک باشد، مسئله بر عکس خواهد بود.

۶) تقلید از شعرای معاصر در دکلمه خوانی چندان موفقیت آمیز نبوده و در برخی از محافل هم تمسخرآمیز است.

۷) صداهای ضخیم و گرفته و رگ دار طبیعتاً محزون و بغض آلود بوده و در مداحی دکلمه خوانی مخصوصاً برای اجرای مرثیه بسیار مناسب است و در دکلمه خوانی هم اینگونه صداها بسیار موثر و جذاب است البته اینگونه صداها خدادادی است و کسی به زور نمی تواند از راههای خطا و نامشروع صدایش را به این حالت در آورد.

۸) هر چه سن و سال مداح دکلمه خوان جا افتاده و مسن تر باشد تاثیر آن بیشتر و دل نشین تر خواهد بود.

۹) تقوی و وقار و متانت در مداح دکلمه خوان بیشتر موثر است. چون عموم مردم این نوع مداحی را استادانه تلقی می کنند.

باید بیشتر ظواهر امر و تقوی درونی را مراعات نمایند.

در نتیجه دکلمه خوانی نوعی مداحی است. و حتی در مقتل خوانی هم این روش بسیار موثر است. برخی وعاظ از این طریق روضه خوانی بدون صوت دل های زیادی را منقلب می کنند.

سیزده) مرصع خوانی

یعنی مداحی شعر و نثر را آمیخته اجرا می کند. که این بیشتر در مداحان قدیمی مرسوم بود. یعنی قبل از شروع مداحی یا در بین آن یا آخر مداحی سخنوری هم می کند. که مورد اعتراض وعاظ و برخی مستمعین هم واقع می شود که شما برای مداحی دعوت شده اید یا سخنرانی

پُرگوئی، تمجید از اشخاص و مدح متوفی و نصیحت های تکراری تعرف خاطرات شخصی، خودستائی های گوناگون وقت مردم را می گیرند. و مردم هم اعصابشان به هم ریخته و در دورن شروع به بدگویی می کنند. شکی نداریم که برخی از مداحان اینقدر مطالعه دارند که کمتر از یک واعظ نیستند. لیکن توصیه این است چون مداحی و سخنرانی دو مقوله جدای از هم می باشند، سخنرانی را در محافل خاص جدا اجرا نمایند و مداحی را هم در جایگاه خود، که مورد اعتراض مردم و روحانیون و وعاظ نباشیم.

و متأسفانه دیده شده برخی از مداحان جوان به مردم در مجالس امر و نهی کرده و می گویند از بس گناه کرده اید قلب شده اید یا مثلاً می خواستم شعری را بخوانم، مجلس اقتضا ندارد می ترسم حش ادا نشود.

یا مثلاً اگر کسی گریه نمی کند تقوی ندارد. آقا خودش اهل تقوی نیست، هم دیده شده و هم شنیده ایم مداحی جوان نماز نمی خواند و شب در مجلس می شود امام زاده.

البته گاهی لازم است مداح. مجلس را بسازد. مردم را جلو بیاورد. یا آنکه بی تفاوتند را متمرکز نماید و مجلس را احیا کند. مداح باید با گفتن احادیثی راجع به اشک، شعرهایی در فضیلت گریه با احترام خاص و با تشویق مستمع را جذب نماید.

چهارده) فن خودخوانی

خودخوانی مهارتی است در مداحی که هر کسی نمی تواند آن را اجرا کند مگر خیلی در بیان و تفکر و معلومات و هنر سخنوری و ربط سخنان موروثی اکتسابی بهره ای داشته باشد.

خودخوانی یعنی اینکه مداح چه در شعر و چه در مرثیه خوانی سخنان و یا گفتارهایی را داشته باشد که از دیگران نباشد یعنی نقل قول و حدیث و روایت نباشد. از خودش و زائیده فکر شخصی باشد و هر چه که در دل و زبان و مغز می پرورد بیان کند. نکاتی راجع به

خودخوانی

(۱) از زبان خود اهل بیت اظهار محبت با شعر یا سخن داشته باشد.

مهر تو را به عالم امکان نمی دهیم

این گنج پر بهاست - ارزان نمی دهم

یا مثلاً:

چه شود که بر سر من به دم ممت آبی

(۲) خودخوانی اگر از خاندان معصومین علیهم السلام به یکدیگر باشد. قواعد و حدود و سقور خاص دارد. و در این قسمت کار سخت و چارچوب تنگ تر خواهد شد. و لذا هر کسی با هر طریقی و هر زبان و بیانی که دل تنگش می خواهد نمی تواند ائمه و خاندان آن بزرگواران را مخاطب قرار دهد. پس باید نسبت به آنان آداب و قواعدی که خودشان آموخته اند دقت و رعایت کرد. بعضی ها معیار را داستان موسی و شبان می دانند. اگر چه آن داستان زیر سوال است و با اعتقادات راسخ و ناب شیعه موافق نیست و مومرد شک و نقد و بررسی و تفهیم می باشد. اگر این گونه بود بی عقل ها با خردمندان یکی بودند و میان یک فرد عادی با پیامبر یا یک امام و یا یکی از ما فرقی وجود نداشت.

خواهد بود.))

۳) برخی از مداحان و شعرا خیلی عامیانه کلمات و جملات زمان را به زبان لات منشی و بسیار ضعیف بیان کرده و گاهی هم دیگر از حد گذرانده و به زشت گویی می رسد که انسان از شنیده و بیان آن شرم دارد. مثل اوستا کریم، آخدا، قربونتم، فدات شم، قربون چشات و از این عبارات که زیاد است.

در صورتی که خداوند متعال را که در این همه ادعیه با عظمت یاد می کنند امیرالمومنین (علیه السلام) خداوند را الهی، سیدی و مولای و ربی خطاب می کند. این همه عبارات بزرگ و پر معنی در دعاهای مختلف مخصوصا جوشن کبیر، مجیر، مشلول و... بکار رفته است.

۴) برخی از خودخوانی ها در حدود اعتقادات نیست و از حد شرع خارج است. مثلا

○ تا امام حسین (علیه السلام) شفاعت نکند به طرف بهشت نمی روم (بی حسین بهشت نمی خواهم) (به خدا جواب نمی دهم جوابم حسین) باید چیزی گفت که مبنای دینی و اعتقادی داشته باشد.

اگر خدای نباشد زبنده ای خوشنود

شفاعت همه پیغمبران ندارد سود

باید توجه کنیم زنجیر زدن، سینه زدن، گریه کردن محبت به اهل بیت است و اینطور نیست که هر گناهی را خواستیم انجام دهیم و منتظر شفاعت اهل بیت باشیم. در سوره مدثر داریم که شفاعت شفیعیان شامل حال چند گروه نمی شود.

یا مثلا می گویند انا عبد الرقیه، من حسین اللهم. ما در سلام، به امام حسین (علیه السلام) السلام علیک یا ابا عبد الله (سلام بر تو ای پدر بندگان خدا) یا در شهادتین می گویم اشهد ان محمد عبده و رسوله یعنی عبودیت نزد خدا از رسالت و امامت بیشتر ارزش دارد. اگر

حضرت رسول به پیامبری برگزیده شد به لحاظ عبودیت محض آن حضرت بود. امام به واسطه عبودیت به مقام امامت می رسد.

برخی هم می گویند حسین جان بهشت کجا و کوی تو کجا، باید گفت همه انبیاء و اولیاء در حسرت بهشت هستند. زیرا قرآن بهشت را محل رحمت الهی معرفی فرموده است.

۵) نباید با وجود آن همه گفتارهای نورانی خدا، اهل بیت (علیه السلام)، اشعار و مدایح عالی انسان وقت مردم را برای گفته ها پوچ و بی اعتبار و بی ارزش بگیرد، و ضایع کند.

۶) یک نوع خودخوانی وجود دارد. مداح از خود اعلام نظر می کند. مثلا می گوید.

اجازه بدهید من جای زینب جواب مادرش را بگویم.

ما کجا و حضرت زینب (س) که جواب او را بدهیم.

۷) خودخوانی در دعا خواندن

مثلا در حال خواندن دعا می گویند:

چه چیزی از تو کم می شود؟ برخی از عبارات در مرز کفر و بی ایمانی است. ما اسم آن را حدیث نفس و حرف دل و یا گفتگو با خالق گذاشته ایم و لذا دقت در این زمینه بسیار ضروری است.

پانزده) ردیف خوانی

ردیف خوانی در مداحی از فنون بسیار مهم و برجسته است. و در قدیم بیشتر مرسوم بوده است و برخی از مداحان فعلی مشهد و برخی از گذشتگان به این هم توجه ویژه داشته اند. دوستان مداح اگر این فن را در مجالس پیاده کنند خواهند دید به اوج، عظمت و شور و حال مداحی و نظام و یکپارچگی مجالس افزوده می شود. و به شرح ذیل است.

۱) واعظ هر روضه ای را که خوانده است مداح هم همان موضوع را ادامه دهد.

۲) واعظ هر روضه ای را که خوانده است مداح هم همان موضوع را ادامه دهد.

۳) هر مداحی که قبلا خوانده است. مداح بعد در همان ردیف و قافیه شعر بخواند. حال شعر غزل باشد یا قصیده یا مثنوی یا روضه باشد. مثلا اگر گودال قتلگاه خوانده شد، مداح بعد گودال بخواند.

۴) مداحی شعر روضه ای می خواند، مداح بعد پاسخ آن را می دهد.

۵) از اشعاری استفاده کنند که هم معنی و مشابه شعر مداحی قبلی باشد.

شانزده) فن غریب خوانی

فن غریب خوانی همانطور که از عنوان آن مشخص است مداح شخصیت های پنهان و غیر معروف را معرفی می کند بعضی از محافل در شهادت است و برخی از ائمه اطهار (علیه السلام) مانند حضرت باقر، حضرت صادق، حضرت امام هادی، امام حسن عسگری علیهم السلام، حضرت ام البنین، ام کلثوم، حضرت خدیجه علیهما السلام یا شهدایی مثل بریر، مسلم بن عوسجه، حبیب، عابس بن شیب، یا اصلا خوانده نمی شود یا کمتر توجه می شود. دیده شده شب شهادت امام باقر (علیه السلام) مداح با یک غزل توسل به امام زمان (عج) بسیار مختصر در چند دقیقه، اسمی از امام برده و به بهانه علاقه ائمه به روضه حضرت زهرا (س) یا اباعبدالله مجلس را به آن سمت سوق می دهند. البته منکر این نمی شوم هر مجلس باید با نام ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) ختم شود لیکن حق هر امام معصوم، باید در جایگاه خودش ادا شود.

عمل ذیل سبب می شود تا مراثی بعضی ائمه یا شخصیت ها کمتر خوانده شود.

۱) برخی می گویند شخصیت های مذکور آنقدر ماجرا ندارند که بتوان مدتی در مجلس از آنها مداحی کرد. در صورتیکه این تصور کاملا اشتباه است. برای هر کدام از شهدای کربلا می توان یک مجلس کامل اداره کرد. برای ائمه غریب هم از چند مجلس فراتر.

۲) عدم آگاهی و اطلاع و توجه برخی شعرای مذهبی به موضوعات و شخصیت های غریب، مداحان هم وقتی دیدند شعری در آن موضوعات گفته نشده یا خیلی کم سروده شده نمی توانند بیشتر از آن بخوانند در این جا لازم است یادآوری نمایم که شاعر اهلیت حاج

است. که نخل میثم ۱ و ۲ و اشعار متفرقه دیگر ایشان گواه این مدعاست.

۳) علت دیگر ناآگاهی برخی مستمعین و ارزش ندادن و عدم شناخت و تأثیرپذیری از مرثیه غریب است مثلاً آن گریه ای که برخی از مستمعین برای حضرت عباس (علیه السلام) دارند برای مرثیه امام صادق (علیه السلام) و یا حضرت باقر (علیه السلام) ندارند و این از عدم شناخت و عرفان مستمع است.

امیدواریم شعرا نسبت به این مهم توجه بیشتری نموده و مداحان هم مطالعات خود را در این خصوص افزایش داده تا مجموع مجالس به نام اهل بیت پرشور و گرم برگزار شود.

هفده) فن چهارپایه خوانی (چهارپایه خوانی)

مرسوم است وقتی دسته های عزاداری در ایام مصیبت وارد بازار یا خیابان می شوند. در نقاطی پرجمعیت یا مثلاً در صحن امام زاده یا مسجد جامع چهارپایه ای برای مداح می گذارند تا بر بالای آن ایستاده و مردم عزادار را بگریانند. این روش را چهارپایه خوانی می گویند که ویژگیهایی دارد که به برخی از آن اشاره می شود.

۱) در چهارپایه خوانی مداح باید آنقدر بر بیان و شعر و گفتار خود اشراف داشته باشد که حتی یک تپق هم نزند. یعنی کاملاً بر اوضاع و احوال محفل مسلط باشد.

۲) مداح باید روانشناس و مستمع شناس باشد. و باید بداند که چگونه بخواند و از چه بگوید در مردم تأثیر بیشتر خواهد داشت.

۳) در این فن مداح باید مجلس را سریع به اوج برساند. و زیاد معطل نکند.

۴) اشعاری که بالای چهارپایه خوانده می شود بسیار داغ و پرهیجان باشد.

۵) مرثیه انتخابی باید طوری باشد که صحنه سازی داغ و تصویر نوین داشته باشد.

هجده) تازه خوانی

تازه خوانی یکی دیگر از عوامل مهم و تأثیرگذار در مجلس است. بعضی از مداحان چون شناخته شده اند دیگر به فکر تازه خوانی نیستند. فقط نان معروفیت را می خورند. وقتی نوارهایشان را می شنویم می بینیم اکثراً تکراری می خوانند یا با کمی تغییر روشن و آهنگ بعضی دیگر با همین شرایط می بینیم که اگر شعر و مضمون و مطلب تازه نخوانند خودشان رضایت ندارند لذا زحمت می کشند که خداوند بر تعداد و توفیق این گروه می افزاید.

البته برخی اشعار و تک بینی ها، دم های دو دسته از قدیم الایام خواندن آنها مرسوم بوده و مردم هم با آنها خود گرفته اند و این دسته اشعار مستثنی هستند. نقل:

ای اهل حرم میر و علمدار نیامد - جوانان بنی هاشم بیایید - گلی گم کرده ام می جویم او را - امشب را شه دین در حرمش مهمان است. اینها با گوشت و پوست و خون و مرام و مسلک مردم در آمیخته.

قواعد شعری می باشد. متأسفانه برخی مداحان برای پر کردن این خلاء به استماع نوارهای خواننده های معلوم الحال طاغوتی و مبتذل و غنا و حرام روی می آورند که مایه تاسف است.

نوزده) فن گریز و پل سازی

این فن از فنونی است که اگر مداح به آن آشنا نباشد و نتواند آن را به خوبی اجرا کند. اذهان مستمعین پراکنده و لذا دیر با موضوع و مضمون ارتباط برقرار می کنند. و بارها دیده شده گریز و پل سازی مناسب و به جا یکباره مجلس را متحول می کند این فن به سه صورت انجام می شود.

۱) از خودخوانی به مدح و مرثیه

۲) از مدح خوانی به مرثیه

۳) از مرثیه به مرثیه دیگر

یک) از خودخوانی به مدح و مرثیه

در قسمت اول مداحی درحال خواندن این شعر است.

یابن الحسن بیا که حلول محرم است

شادی به ما حرام شد و ایام ماتم است

تا جایی که می گوید:

سقا ز تشنگان حرم شرمسارند

خشک ز شعله خجالت او نهر علقمه است

بر عاشقان سیاحت گلها حرام شد

خاکم به سر قامت سرو علی خم است

دو) از مدح خوانی به مرثیه

۲) مداح شعری را در مدح یکی از معصومین (علیه السلام) شروع می کند. برخی از ابیات شعر اشاراتی به مصیبت شده است. در هر بیت که مداح آمادگی دارد یا زمینه آن قبلا توسط واعظ یا مداح قبل فراهم شده است.

از مدح به مرثیه گریز می زند.

به مثال ذیل دقت فرمائید در توصیف حضرت زهرا (س)

علی ز ماه جمالت چو پرده بردارد

خدا به دیده او جلوه دگر دارد

چند بیت این قصیده مدح است تا جایی که می گوید.

پی جنازه تو دست بر کمر دارد

در این جا از مدح به مرثیه روضه و مصیبت تشییع جنازه حضرت زهرا (س) اشاره می شود.

یا در شعر دیگر

ای زجمالت فروغ حق متجلی

خاک مزارت بهشت اهل تولی

در ادامه

با که بگویم که به جای مزد رسالت

سیلی خوردی کنار تربت بابا

یا راجع به امام صادق (ع)

ای روی تو قبله خلائق

یا حضرت کاشف الحقایق

افسوس که حرمت شکستند

پیوسته دلت ز کینه خستند

سه از مرثیه ای به مرثیه دیگر

مثلا در روضه حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) می خوانیم بدن حضرت سه روز در میان آفتاب ماند. اهل شیعیان آمدند بدن آقا را اول

گلبران کردند و سپس با احترام تشییع و به خاک سپرده اند. اما کربلا به جای گل سنگ و نیزه بر بدن اباعبدالله (ع) زدند.

یا در روضه امام رضا (ع):

هنگام جان دادن جوادش را بالای سرش مشاهده کرد. و امام جواد (علیه السلام) سر پدر را بر روی دامن گرفت اما این قضیه کربلا بر

عکس شد. پدر آمد و سرجوان خود را بر روی دامن گرفت.

یا در روضه حضرت زهرا (س):

حسنین آمدند روی بدن مادر افتادند امیرالمؤمنین (علیه السلام) با احترام آنها را از بدن مادر جدا کرد.

اما کربلا وقتی سکینه (س) آمد کنار بدن بابا با تازیانه او را از بدن جدا کردند.

بخش هشتم: باید و نبایدها در مدایح و مراثی اهل بیت (علیه السلام)

در مقدمه این بخش توجه برادران عزیز مداح را به ارزش کار مداحی جلب می نمایم.

(۱) مکرر این حدیث را شنیده اید. هر کس بگریاند، گریه کند و یا خود را به گریه بزند بهشت بر او واجب است.

السلام) داشته و مرتب مادر حسین (علیه السلام) را مورد عنایت خویش قرار می دادند که مشهورترین آنها سید حمیری، کمیت اسدی، دعبل خزائی می باشد.

۳) صاحب جواهر (علیه الرحمه) فرمودند سه خط شعر روضه برای اهل بیت (علیه السلام) را با تمام کتب فقهی من جمله جواهر الکلام عوض می کنم.

۴) همفر جاسوس انگلیسی در ممالک اسلامی در کتاب خاطرات خود با ترجمه دکتر محسن موید، چاپ ۱۳۶۱ اذعان نموده است که یکی از دشواریهای استعمار در کشورهای اسلامی بویژه کشورهای شیعه نشین برپا داشتن مراسم عزاداری امام حسین (علیه السلام) از سوی شیعه و اجتماعات بزرگ سوگواری در ماههای محرم و صفر و ایراد منظم خطابه ها و سخنرانی هایی که در تقویت و استحکام مبانی ایمان مسلمین نقش انکارناپذیر دارند و آنان را به رفتار نیک وامی دارد. و لذا مراکز عزاداری امام حسین (علیه السلام) یا تکایا باید به ویرانه ها مبدل شود. برای این منظور اقداماتی انجام شود. که به برخی از آنها اشاره می شود.

۱) وارد کردن بدعت ها و خرافات در جلسات امام حسین (علیه السلام) مثل علم های سنگین آهنی.

تذکر: علم در عزاداری از سنت های دینی و حسنه است و به شکل عمودی است و بیرق یا پرچم بر روی آن نصب می شود. منظور نویسنده از علم، علم های چند تیغه آهنی است.

۲) بی محتوی ساختن نوحه ها، اشعار که باعث می شود. علما، متدینین و افراد سابقه دار در عزاداری کمتر رغبت کنند به این جلسات بروند و فقط جوانان می مانند با صدر شور و احساس آنوقت ما اهداف و برنامه های بعدی را پیاده می کنیم.

۳) انتخاب و عاظ و نوحه خوانها یا تعزیه خوان هایی که سوء سابقه دارند که در نتیجه علاقه مردم به این جلسات کم می شود.

۴) چاپ و نشر کتب و جزوات که حاوی اشعار بی محتوی و دون شاعران اهل بیت علیهم السلام می باشد.

۵) ایجاد شک و گمان نسبت به جلسات مذهبی و هرگونه جماعات دیگر در کشورهای اسلامی.

۶) تبلیغ مذاهب من درآوردی برای پیروان تشیع مذهب حسین الهی در غرب و شمال ایران مذهب علی الهی، در طوس یا خراسان مذهب هشت امامی در اصفهان مذهب صادق الهی.

۷) تقویت غلات (جمع غلو) در شیعه به بهانه علاقه زاید الوصف به خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)

تذکر: ائمه طاهرین (علیه السلام) بویژه امام صادق (علیه السلام) غلو را به شدت نهی نموده و یکی از خطرات دین هم محسوب می شود.

۸) ایجاد ابتدال در نوحه سرائی ها و اشاعه فرهنگ غربی (سوت زدن در محافل) به بهانه جذب عده ای و صدها مواردی دیگر. مشارالیه در ادامه یادآور می شود. کتابی است در انگلیس به نام (اسلام را چگونه نابود کنیم) و آنچه در این کتاب در جهت تخریب دین بویژه در بحث عزاداری امام حسین (علیه السلام) یافته ام عالی به نظر می رسید که بهترین و عملی ترین برنامه هایی بود که من و همکارانم وظیفه داشتیم در ممالک اسلامی انجام دهیم.

برای روشن شدن اذهان کافی به نظر می رسد. حال با توجه به حساسیت این مهم به بیان بایدها و نبایدها در مداحی آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) می پردازیم.

۱) بیائیم دست به دست هم دهیم و همگی از اشعار خوب و پرمایه استفاده کنیم. اگر به شعرایی مثل سید حیمری، فرزددق، دعبل، کمیت و دیگر شعرا و ادبای مذهبی توجه کنیم، می بینیم سطح شعر مذهبی در گذشته خیلی بالاتر بوده و در نوع خود سخت ترین و محدودترین شعر بوده است و هر شاعری توانایی سرودن این نوع شعر را بدون کسب سرمایه های لازم علمی و معنوی نداشته است. متأسفانه شعرای خوب تا زنده اند مورد توجه قرار نمی گیرند وقتی از دنیا می روند چاپلوسی ها و تعریف و تمجید شروع می شود. مگر مرحوم شهریار را نداشتیم آنقدر مشکل داشت. شاعر را می شناسیم بواسطه صاحبخانه اش با او آشنا شده ام وقتی به دیدنش رفتم در بدترین وضع ممکن بسر می برد. همین شاعر فقط صدها بیت شعر ناب فقط برای حضرت معصومه (س) سروده است و هزاران بیت شعر برای سایر اهل بیت که حتی قدرت چاپ شعرش را ندارد. اما هر سال محرم که فرا می رسد صدها جزوه جیبی و کوچکتر با صدها عنوان دارد وارد بازار می شود.

که غیر از چند جزوه انگشت شمار بقیه اصلاً قابل ارائه در مجالس اهل بیت نیست. عموم آنها توسط مداحان سرشناس خوانده و نوار و سی دی آن در سطح کشور تکثیر و در اختیار مردم است شما را به خدا چه کسی باید بهداد وضع چاپ و نشر شعر برسد. مگر نخل میثم سازگار، دل سنگ آب شد انسانی دیوان های موید، چه عیبی دارد که همه باید اشعار بی محتوی بخوانیم. می گویند مردم شعر محاوره ای فولکور (فولک ور) را بیشتر می پسندند چه کسی باید سطح فکر مردم را بالا ببرد البته در شعر محاوره ای هم ما اشعار پر محتوی و جانسوز همراه با عاطفه داریم. مثل اشعار حاج احمد آرونی، حاج قاسم ملکی، شهید غلامعلی رجبی، جانباز عزیز محمود ژولیده حتی بعضی از اشعار حاج علی انسانین و حاج غلامرضا سازگار اما همین هایی که دارای محتوی است یا خوانده نمی شود یا کمتر خوانده می شود.

مقام معظم رهبری در یکی از دیدارهای خود با مداحان فرمودند:

((توصیف جسمی معصومین مثل وصف زلف و ابرو و دهان و چشم... یک طرف قضیه است مهمتر از همه ذکر معارف و فضائل اخلاقی و روحانی آنان است که لازم است بیان گردد و آن جلوه هایی از زندگی آن که به ما درس اخلاق و دین می دهد را باید بازگو گردد.))
وقتی این شعر را برای یک پزشک مسیحی قرائت کردم. گفت حقیقتاً امام و پیشوای بر حق جامعه امیرالمؤمنین و همسر و فرزندان او هستند.

می زند پس لب او کاسه شیر

می کند چشم اشارت به اسیر

یا درباره حضرت زهرا (س)

این شنید ستم که آن گلدسته باغ عفاف

جامه نو را به سائل می دهد شام زفاف

جز علی که داد شمشیرش به دشمن در مصاف

کاری از:

Vahideh

Vahideh۳۰۰۸@yahoo.com